

کتاب «هاشمی در سال ۸۸»

امروز رونمایی می‌شود

کتاب «هاشمی در سال ۸۸» که در نمایشگاه کتاب تهران هم عرضه شده است، امروز با حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در کتابخانه ملی رونمایی می‌شود.
به گزارش مهر، کتاب «هاشمی در سال۸۸» گزارشی جامع از مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از ابتدای فروردین ۱۳۸۸ تا پایان اسفند این سال است. این کتاب که به قلم حبیب‌الاسلام رضا صنعتی است، در خرداد ۱۳۹۰ برای اخذ مجوز نشر به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قم تحویل شد اما در دولت مهد مجوز انتشار نگرفت تا این که در اسفند ۹۲ مجوز آن صادر شد.
کتاب «هاشمی در سال ۸۸» در پنج بخش تنظیم شده است. بخش اول به گزارش مواضع هاشمی در مرزبندی با دشمن و نفی اقدام‌های ساختارشکنانه اختصاص یافته است. بخش دوم به تبیین مواضع وی در برابر یک جریک از مجموعه جریان‌های اصولگرا اختصاص یافته است. در بخش سوم به هشدارهای هاشمی در سال ۸۸پرداخته شده است.بخش چهارم، راهکارهای وی برای برون رفت از وضع نامطلوب این سال را گزارش کرده است. بخش پنجم هم به گزارش چند چالش مرتبط با هاشمی (از جمله طرح دولت وحدت ملی، علت ناکارش نامه به مقام معظم رهبری، کارکردانی مبارزات انتخاباتی رقیبای محمود احمدی‌نژاد، امتناع از اقامه نماز جمعه تهران، صحنه گردانی عزادای پس از انتخابات، عدم حضور در مراسم تنفیذ و تحلیف رئیس جمهور وقت، مسائل مرتبط با خانواده هاشمی و ...) اختصاص یافته است.
این کتاب در ۶۶۴ صفحه و زیری قیمت ۱۸ هزار و ۵۰۰ تومان از سوی انتشارات سلمان فارسی منتشر و در غره انتشارات دفتر نشر معارف انقلاب اسلامی در نمایشگاه اسبال کتاب تهران هم عرضه شده است. بر اساس اطلاع خبر نگار مهر، کتاب «هاشمی در سال ۸۸» ساعت ۱۰ صبح امروز با حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سالن همایش‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران رونمایی می‌شود.

فرمان قرار است رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش از رونمایی از کتاب مذکور ضمن بازدید از بخش‌های مختلف کتابخانه ملی، با مدیران این سازمان هم دیدار و گفتگو کند.

محمود کاشی چی پیشکوت نشر در گذشت

در مراسم که صبح دیروز با حضور گسترده فعالان، مدیران و پیشکسوتان عرصه نشر، در سرای اهل قلم برای نکوداشت «محمدرضایی و «احمد عطایی» برگزار شده بود، خبر درگذشت یکی دیگر از بزرگان این عرصه اعلام شد.
به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) محمدتقی عرفان‌پور در میانه این نشست خبری درگذشت محمود کاشی چی را اعلام کرد.
محمود کاشی چی بنیانگذار انتشارات گوتنبرگ و بازارچه کتاب، صبح دیروز در نود و دو سالگی در مشهد از دنیا رفت.

محمدتقی عرفان‌پور در حاشیه این مراسم گفت: ساعت ۹ صبح، خانم ناهید آقاچان زاده کاشی چی، دختر آقای کاشی چی، در تماسی تلفنی به بنده اطلاع دادند که آقای کاشی چی فوت کرد. عضو هیات موسس نشر علوم دانشگاهی با اعلام این خبر گفت: بازارچه کتاب فعلی در خیابان انقلاب را که همگان می‌شناسند، آقای کاشی چی در سال ۱۳۵۵ از سالن یلیپار، به «بازارچه کتاب» تبدیل کرد.

محمود کاشی چی متولد مشهد بود و از سال ۱۳۲۴ وارد فعالیت‌های نشر کتاب شد و انتشارات گوتنبرگ را اولین بار در مشهد بنیان گذاشت. او در سال ۱۳۳۰ با مشهد به تهران آمد و فعالیت‌های نشر را گسترش داد. وی در خیابان منوچهری کتابفروشی بزرگی تأسیس کرد و نمایندگی کتاب‌های فارسی چاپ شوروی را که به انتشارات «پروگرس» معروف بود، به عهده گرفت که غالباً مجموعه عصفه برای کودکان و سپس کتاب‌های رمان و ادبیات وارد می‌کرد. او همچنین اظهار کرد: کاشی‌چی در واقع بنیانگذار کتابت ازاران» در ایران بود؛ کتاب‌های خوش خوانی که در آن سال‌ها با تیراژ ۲۰ هزار نسخه منتشر می‌شد. مثلاً کتاب‌های «کت موت کرسیتو»، «زورق پالسامو»، «غرش طوفان»، «جنگ و صلح» و «پتوبان» جزو همین کتاب‌ها بودند که به «کتاب‌های پنج‌ریالی» معروف بودند. این کتاب‌ها معمولاً جزوه‌هایی بودند که با ۳۳ تا ۴۵ صفحه تنظیم می‌شدند و جلدهایشان کاغذهای کاهی بود. بعدها این جزوه‌ها صحافی و به صورت کتاب منتشر می‌شدند.

مراسم تشییع آشتان ساعت ۳۰ و دقیقه صبح امروز ۱۶ اردیبهشت، از مقابل منزلی در تهران برگزار می‌شود. مراسم ترجم نیز پنج‌شنبه، ۱۷ اردیبهشت، از ساعت ۱۰ و دقیقه ۱۵ تا دقیقه ۲۰ مسجد نوز واقع در میدان قاضی برگزار خواهد شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

بسیار آینه‌که آفرینش هنری امری جوششی بوده و کوششی نیست و درک این امر برای مسوولان ضروری است گفت: ششاهکارهای هنرهای اسلامی حاصل جوشش ذهن هنرمندان چیره دست بوده و هر جایی که این امر به سبست سفارشی شدن پیش رفته از درجه و اعتبار آن کاسته شده است.

به گزارش ایرنا، علی جنتی دوشنبه در مراسم اختتامیه دومین جشنواره آینه مطهر اظهار کرد: مراسم حاضر را بسیار ارزشمند می‌دانم چرا که از یک سو با نام آندیشمند و نقید معاصر شهید آیت الله مطهری پیوند خورده و از سویی دیگر میرزان هنرمندان متعهدی که با فهم صحیح از آثار این استاد اقدام به خلق هنر کردند، است.وی افزود: آثار شما حاصل احساس لطیف و تجربه گرانمایه شما در آفرینش نقش‌های زیبا است، آثار فاخری که چون نسیم بر جان مشتاقان هنردوست می‌وزد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یادآور شد: امید آن‌که همواره با تکیه بر عنایت خاص نقش پرداز دایره مینایی برای اعتلای هنر، گام‌های بلندتری برداریم.

وی در ادامه گفت: مطهری اندیشمند فقید و نظریه پرداز

وزیر ارشاد: هنر سفارشی، اعتبار ندارد



دیدار وزیر ارشاد از نمایشگاه جشنواره «آینه مطهر»
این حوزه را فراهم می‌کنند؛ بنابراین نداشتن نظریه‌های متقی در این حوزه معضلی بزرگ است.

وی با بیان اینکه نظرات استاد مطهری برای موسیقی یا معماری می‌توانند راهگشای بسیاری از مشکلات باشد، تاکید کرد: اگر چه برخی از نظریات فرهنگی استاد موجز است، اما چنان شیوا است که قدرت این را دارد که مدیران و برنامه ریزان به آن اتکا کنند و می‌تواند سال ها سرچشمه تاثیرات را باشد.جنتی در این باره به اینکه دیدگاه مطهری هنر

منشأ الهی دارد و انسان با استفاده از آن می‌تواند دزد به‌جهان را کاشش دهد، گفت: انسان درد خدا دارد و این درد او را به سویی حق می‌کشاند. جنتی با بیان اینکه مطهری نظر دیگر فلاسفه همچون افلاطون را که زیبایی تنها اسباب خسران و خسارت به

قابل توصیف است را نقد کرده است، گفت: شهید-مطهری بر خلاف آنها که می‌گویند هنرمند منعکس کننده صرف زیبایی‌های طبیعت است این اعتقاد را دارد که احساسات درونی و روح پاک هنرمند منشاء هنرنمایی اوست.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عرصه‌های هنر اسلامی از دیدگاه مطهری را بسیار گسترده عنوان کرد و افزود: مطهری معماری اسلامی را کمال یافته هنر‌های ما داند و نکته مهم، اما مغفول در خصوص آفرینش آثار هنری که مطهری بر آن تاکید دارد این است که زور و زور هر قدر قوی نیست ششاهکار خلق کند، جمله‌ای آگاهانه که متأسفانه در مدیریت هنری درک نشده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تاکید بر اینکه ایران از منظر هنر به مثابه تابلوی زیبایی است که در هر عصر تابلی خیره کننده‌ای داشته است و افزود: خوشنویسی، نقاشی، نگارگری و هنرهای نوپداری همچون گرافیک در ایران رشد کرده است.

وی ادامه داد: خوشنویسی، هنری است که در جوار قرآن و معارف اهل بیت(ع) شکل گرفته و تلقین هنر‌هایی همچون خوشنویسی، نقاشی و گرافیک حاصل ذوق هنرمندان معاصر و فرار آنها از کلیشه‌ها و تکرار است.

بر پای نمایشگاه آثار چاپ های دستی از امپرسینیسم تا امروز در موزه هنر های معاصر

احمد وکیلی همچنین درباره برگزاری چنین نمایشگاهی در حوزه هنر های معاصر تهران: نمایشگاه آثار چاپ های دستی هنرمندان خارجی با عنوان «تاریخ معاصر چاپ‌های دستی از امپرسیونیسم تا امروز» از آثار خارجی گنجینه موزه، ساعت ۱۷ روز ۲۲ اردیبهشت بعدازظهر در موزه هنرهای معاصر تهران افتتاح می‌شود.

در همین ارتباط احمد وکیلی دبیر نمایشگاه در ارتباط با برگزاری این نمایشگاه گفت: «اهمیت چاپ‌های دستی در دوره معاصر نه از باب تکثیر آثار بلکه به عنوان غنی ترین مدیا در حوزه هنر های تجسمی است تا بتوان تجربیات تازه را برای رسیدن به بیان بیستم بسیار بیشتر از قرن ۱۸ و ۱۹

در این نمایشگاه بیش از ۲۰۰ اثر از ۷۵ هنرمند، از جمله پیکاسو، سالوادور دالی، مارک شاکال، جسرپر جونز، ادوارد مونش، هنری تولوز لو تکر، جیمز وینستابل، جیم داین،خوانمیرو، آنتونیوتاپیس، کامیل پيسارو، آلدی وارهل و... به نمایش در می‌آید.

هر ساله و در زمان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب، نشست «سه سرزمین، یک زبان» برگزار می‌شود. این نشست در روزهای ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه به سه سرزمین، یک زبان» اختصاص دارد که با حضور فرانسیس هولز از سوئیس، سایهینه گروبر از اتریش، داوید واکنسر از آلمان و محمود حسینی‌زاد در مرکز فرهنگی شهرکتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر، نش کوچک سوسم برگزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.

عرضه آثار رئیس جمهوری در غره کتابخانه ملی

مجموعه آثار دکتر حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، در غره مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه شده است.
به گزارش شاد اطلاع‌رسانی بیست و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، در این غره شش اثر از رئیس‌جمهوری در معرض نمایش و فروش قرار گرفته است. آثار ارائه‌شده در این غره عبارت‌اند از: «مقدمه‌ای بر تاریخ امامان شیعه»، «امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران»، «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای»، «سن‌الاهلیت و مسئولیت قانونی در رفقه، جلد نخست مجموعه «خطرات حسن روحانی» و «اندیشه‌های سیاسی اسلام» در سه جلد.
به گفته مسئولان غره مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» و مجموعه «خطرات حسن روحانی» با استقبال فراوان مخاطبان رویه‌رو پیروده‌است. این کتاب‌ها را انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام منتشر کرده و از میان آنها فقط کتاب سه جلدی «اندیشه‌های سیاسی اسلام» به وسیله انتشارات کمل منتشر شده است.
بیست و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۱۰ تا ۲۰ اردیبهشت در مصالی امام خمینی (ره) برپاست.



معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از امضای تفاهم‌نامه‌ای با صندوق اعتباری حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان خبر داد که بر اساس آن همه هنرمندان به صورت یکسان بیمه تکمیلی می‌شوند.

به گزارش روابط عمومی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در نشست یکشنبه ۱۴ اردیبهشت میان علی مرادخانی، معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و غلامرضا خلیل ارجمندی، رییس هیات مدیره و مدیرعامل صندوق اعتباری حمایت از نویسندگان و روزنامه‌نگاران و هنرمندان، تفاهم‌نامه‌ای امضا شد که بر اساس آن مقرر شد از توان مالی و اعتباری صندوق مذکور برای بهره‌برداری، طراحی، برنامه‌ریزی، ساخت و توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و هنری سراسر کشور استفاده شود.

علی مرادخانی درباره نتایج و دست‌آورد‌های این تفاهم‌نامه گفت: «این موسسه هنرمندان را به صورت یکسان بیمه تکمیلی می‌کند. نحوه و شرایط این بیمه طبق ساز و کار این موسسه است. تنها اصل ما ادامه ارتباط بیمه‌ای هنرمندان و احیای بیمه تکمیلی آن‌هاست.»

او در ارتباط با شناسایی هنرمندان واقعی ثبت شده در فهرست بیمه‌ای صندوق بیمه هنرمندان گفت: «مجموعه‌ای از فهرست بیمه در این زمینه وجود دارد که نمی‌دانیم تمامی این اسامی هنرمند هستند یا نه. تایید این اسامی با نظر صنف خواهد بود و چنانچه این صنف اسامی هنرمندان را تایید کنند فهرست به بیمه اعلام می‌شود.»

بر پای نشست «سه سرزمین، یک زبان» در شهر کتاب

همچنین کارگاه ادبیات معاصر آلمانی زبان دوشنبه پانزدهم اردیبهشت ساعت ۱۰ تا ۱۲ با حضور سه نویسنده و دکتر رائد فریادزه -عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات آلمانی دانشگاه شهید بهشتی- برگزار می‌شود.
واکنسر از آلمان و محمود حسینی‌زاد در مرکز فرهنگی شهرکتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر، نش کوچک سوسم برگزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.

د کتر فاضل: قداست جامعه پزشکی باید حفظ شود

رئیس جامعه جراحان گفت: حرکت شوم و سازماندهی شده‌ای برای تغییر افکار عمومی نسبت به جامعه پزشکی ایجاد شد است تا هم به قداست جامعه پزشکی و هم امنیت فکری مردم لطمه بزند.

دکتر ایرج فاضل دیروز در آستانه برگزاری سی‌وششمین کنگره جامعه جراحان در گفتگو با خبرنگاران با اعلام این مطلب اضافه کرد: اکثر پزشکان و جراحان کشور در زیر خط فقر زندگی می‌کنند اما عده‌ای صحبت از مافیای بودن پزشکان می‌کنند، متأسفانه این افراد با نمی‌فهمند مافیای چیست یا شغل پزشکی را نمی‌شناسند. رئیس جامعه جراحان با انتقاد شدید از وضع تربیت نیروی انسانی گفت: تربیت نیروی انسانی در رشته‌های پزشکی به هیچ وجه متناسب با نیاز جامعه نیست، من نمی‌دانم این همه پزشک را برای کجا تربیت می‌کنیم.وی اضافه کرد: وقتی پزشک بیش از نیاز جامعه تربیت می‌شود مفاسد و خطرات آن ۱۰ برابر بیشتر از کمبود پزشک است به طوری که مردم تربیت می‌شد و هم مردم امنیت تا مواد زیرپوست تزریق کند یا لب و بینی را کوچک یا بزرگ کنند.

رئیس جامعه جراحان ایران با انتقاد شدید از قانون خودگردانی بیمارستان‌ها گفت: در قیل از انقلاب و تا حدودی بعد از انقلاب بیمارستان‌های آموزشی به کلی رایگان بود و مردم بی‌ضاعت هم کم‌کم در این درمان داشتند، اما با نغمه شوم خودگردانی هم وضع درمان این گونه شد که نباید می‌شد و هم مردم فقری خود را درخصوص سلامت از دست دادند.وی با اعلام این که مردم نباید در مراکز درمانی آموزشی هیچ پولی پرداخت کنند، گفت: با انجام خودگردانی بیمارستان‌ها، بیشتر تخت‌های مراکز آموزشی خالی است و تمامی بخش‌های این مراکز را به بخش خصوصی اجاره داده‌اند تا هزینه‌های بیمارستان را تأمین کنند. این امر سبب شده‌است تا این مراکز نه مراکز آموزشی مطلوب باشند و نه به مردم خدمات درمانی خوب ارائه کنند.

دکتر فاضل با انتقاد از طرح خدمات پزشکان در مناطق محروم گفت: تنها جایی که فارغ التحصیلان آن رشته باید دو سال خدمت رایگان در مناطق محروم انجام دهند پزشکان هستند این در حالی است که با ایجاد جدایی‌ت‌ها لازم می‌توان پزشکان را بدون اجبار به این مناطق اعزام کرد.

رئیس جامعه جراحان ایران درخصوص اجرای طرح تحول در مراکز درمانی دولتی گفت: مشکل ما این است که می‌خواهیم تمام کاتنت را در یک تسمخ‌خرج جادهم که نه کاتنت کوچک شده و نه تسمخ هم بزرگ، ما یک مملکت داریم که هشت سال گذشته ویران شده است، اخلاق و انسانیت ناپود شده و در این هشت سال بیشتر از جنگ به مملکت صدمه وارد شده است، دولت و وزارت بهداشت برای این مشکلات چکار می‌توانند بکنند. وی افزود: وزیر بهداشت و دست اندکاران تمامی تلاش خود را به کار می‌گیرند، اما کار مشکل است باید به تدریج دوباره مملکت را بسازیم، الان آن‌هایی که می‌خواهند مملکت جلو نرود، چوب لای چرخ دولت می‌گذارند، تا این طرح طلایی برای توسعه و پیشرفت مملکت را از دست دادیم و به عزت و شرف ایران صدمه خودر کرد. فاضل در پاسخ به این پرسش که نظر جامعه جراحان درخصوص استفاده از اعضای افراد اعزامی برای پیوند اعضا گفت: خرید و فروش اعضای بدن به هر شکلی در تمامی این‌ط‌ر و غیر قابل قبول است و حضرت امام(ره) هم در فتوایشان درخصوص استفاده از اعضا برای پیوند فرمودند خرید و فروش کلیه به هیچ وجه مجاز نیست و ما به عنوان انجمن پیوند اعضای اران به شدت نگران این مسئله هستیم.

دکتر فاضل با پایان با انتقاد از حبس پزشکان بخاطر برخی از تخلفات پزشکی و مسله‌ای که اخیراً درخصوص قتل شیعه‌مد و عمد مطرح شده و باعث شافضی پزشک را به زندان فرستاد، گفت: یک جراح برای انجام اعمال جراحی یا پرسنگ بالا باید امنیت قضایی و فکری داشته باشد و اگر عدم موفقیت در این گونه اعمال و جراحی‌توام با مجازات باشد، پزشکان زیربار انجام این اعمال جراحی نخواهند رفت و بیشترین ضربه را از این ساله مردم خواهند خورد.وی با تاکید بر این که ما به عنوان جامعه جراحان از تصور پزشکی و سوء استفاده از آن بیشترین رنج را می‌بریم افزود: ما مداعمانی کنیم که پزشک خطا کار باید مصون از رسیدگی باشد، صحبت ما این است که پزشکی که با صداقت کارش را انجام می‌دهد در صورت عدم موفقیت نباید برای او حکم حبس بدهند، چرا که این ساله هم امنیت جامعه پزشکی را سلب می‌کند و هم امنیت مردم را از بین می‌برد.

پزشکی و مسله‌ای که اخیراً درخصوص قتل شیعه‌مد و عمد مطرح شده و باعث شافضی پزشک را به زندان فرستاد، گفت: یک جراح برای انجام اعمال جراحی یا پرسنگ بالا باید امنیت قضایی و فکری داشته باشد و اگر عدم موفقیت در این گونه اعمال و جراحی‌توام با مجازات باشد، پزشکان زیربار انجام این اعمال جراحی نخواهند رفت و بیشترین ضربه را از این ساله مردم خواهند خورد.وی با تاکید بر این که ما به عنوان جامعه جراحان از تصور پزشکی و سوء استفاده از آن بیشترین رنج را می‌بریم افزود: ما مداعمانی کنیم که پزشک خطا کار باید مصون از رسیدگی باشد، صحبت ما این است که پزشکی که با صداقت کارش را انجام می‌دهد در صورت عدم موفقیت نباید برای او حکم حبس بدهند، چرا که این ساله هم امنیت جامعه پزشکی را سلب می‌کند و هم امنیت مردم را از بین می‌برد.

آگهی مزایده

شرکت صنعتی آما درنظر دارد عرصه و اعیانی ملک خود واقع در کیلومتر ۱/۵ جاده مخصوص کرج نرسیده به شهرک اکباتان بین بیمه دوم و سوم جنب ایستگاه در حال احداث مترو شامل ۲ قطعه زمین متصل بهم جمعا به مساحت ۱۹۵۰۰ مترمربع را از طریق مزایده بصورت یکجا بفروش برساند.

از متقاضیان دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد و اوراق شرایط شرکت در مزایده از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز و درسات اداری به آدرس این شرکت واقع در کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج روبروی شرکت قرق‌زن نبش خیابان ۶۴ مراجعه نمایند.

تلفن تماس: ۰۲۱-۴۳۹۸۵۱۱۲

ضمنا این شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.

شرکت صنعتی آما(سهامی عام)

آگهی مزایده	
<div><div><div><div><div></div><div>سازمان بین‌المللی حفاظت از محیط زیست</div></div><div><div></div><div>IOOPMA</div></div></div></div></div>	
<div><div><div><div><div><div></div><div><div>11th International Conference on Coasts, Ports and Marine Structures</div></div></div></div><div>24-26 Nov. 2014 - Iran</div><div>تهران ۱۵ آذر ماه ۱۳۹۳</div></div></div><div><div><div></div><div>یازدهمین همایش بین المللی سواحل، بند و سازه های دریایی</div></div></div></div>	
بامحوریت: <p>نواحی ساحلی، فرصت ها و چالش ها</p>	
<div> <div><div> مناطق و جهان</div> <ul style="list-style-type: none">تبدیل آخرین دستاوردها، تجربیات و نوآوری‌های علمی و اجرایی در بعد ملی و بین المللی آزاده توانمندی‌های محققان و متخصصان داخلی در عرصه بین المللی آشنایی دانشجویان و پژوهشگران با افق‌های جدید و روش های نوین پژوهش توجه وتمرکزپیش از پیش بر فرصت ها و چالش های موجود در نواحی ساحلی </div></div>	<div> <div><div> باحتیات</div> <ul style="list-style-type: none">سازمان ها و انجمن های ملی و بین المللی دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی </div> <div> <div><div> با حضور</div> <ul style="list-style-type: none">استادیت، دانش پژوهان، متخصصین و کارشناسان داخلی و خارجی شرکت های مهندسی مشاور و پیمانکاری </div> <div> <div><div> با هدف</div> <ul style="list-style-type: none">تقویت همکاری‌های فنی و تخصصی میان کشورهای </div> </div></div></div>
<div> <div><div> موضوعات همایش</div> <ul style="list-style-type: none">هیدرودینامیک و مهندسی دریا امواج و جریانات دریایی طوفانهای دریایی و سونامی انتقال رسوب، فرسایش و تغییرات خط ساحلی اندازه‌گیری و تحلیل پارامترهای دریایی مدیریت سواحل و بنادر مدیریت بیدرمان مناطق ساحلی (ICZM) مدیریت بیدرمان مناطق ساحلی سوانح طبیعی از دور فرآیندهای نوین در مدیریت بنادر مهندسی سواحل و بنادر طراحی و ساخت سازه‌های ساحلی پارزسی، نگهداری و تعمیرات سازه‌های ساحلی </div></div>	<div> <div><div> تاریخ همایش</div> <ul style="list-style-type: none">مهلت ارسال چکیده میسوط: ۱۹ تیر ۱۳۹۳ زمان برگزاری همایش: ۱۵ لغایت ۱۷ آذر ۱۳۹۳ </div> <div> <div><div> مکان همایش</div> <ul style="list-style-type: none">نشانی: تهران، میدان ونک، چهارراه جهان کوردک، ابتدای خیابان آفریقا، کوچه شکوفه، پلاک ۲۰۰، طبقه سوم، دبیرخانه دانشی همایش. تلفن: ۰۲۱-۸۸۱۹۰۰۸۱-۸۸۱۹۰۰۸۱ وبسایت: ۸۸۱۹۰۰۸۱-۱۰۸۸۱۹۰۰۸۱ icopmas@gmail.com icopmas@yahoo.com </div> </div></div>
<div> <div><div> چک ثبت نام، ارسال مقالات و کسب اطلاعات بیشتر به چکیده اینترنتی همایش به آدرس لینک مراجعه فرمایید.</div></div> <p>http://icopmas.pmo.ir</p></div>	

شرکت بازرگانی صنایع شیر ایران (سهامی خاص)	
آگهی مناقصه عمومی (شماره ۵۰۰۶)	
شرکت بازرگانی صنایع شیر ایران (سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به خرید ۵۰۰ دستگاه یخچال و یترینی با مشخصات مندرج در برگ شرایط از طریق انجام تشریفات مناقصه عمومی و بر اساس برگ شرایط اقدام نماید.متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند ضمن پرداخت مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ ریال(پانصد هزار) ریال به حساب جاری شماره ۸۰۰۸-۱۰۱۳۵۵۲۰۰ بانک صادرات شعبه میدان مادر به نام شرکت بازرگانی صنایع شیر ایران از تاریخ انتشار این آگهی به جز ایام تعطیل در اوقات اداری به نشانی: تهران ، میدان آرژانتین ، انتهای خیابان السوند ، کوچه جوبین ، پلاک ۶ ، طبقه سوم مراجعه و برگه شرایط مناقصه را دریافت و حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۷ پیشنهادات خود را در پاکت لاک و مهر شده به این شرکت تسلیم و رسید دریافت نمایند.	
شرکت بازرگانی صنایع شیر ایران (سهامی خاص)	

به نام قادر مطلق	
<div><div><div><div><div></div><div></div></div><div><div></div><div></div></div><div><div></div><div></div></div></div></div></div>	
<div><div><div><div><div><div></div><div><div>بانک پاسارگاد</div></div></div></div><div>بانک بزرگوم</div></div></div></div>	

بانک پاسارگاد به منظور تأمین و تکمیل سرمایه انسانی مورد نیاز شعبه‌های خود در شهرهای "تهران، اصفهان، اهواز، تبریز، شیراز، ساوه، قزوین، آمل و همدان" از فارغ التحصیلان مقطع کارشناسی در رشته های مورد نظر دعوت به همکاری می نماید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام به سایت بانک پاسارگاد به آدرس **www.bpi.ir** مراجعه فرمایید.

بانکداری اسلامی، راه‌نات اقتصاد کشور

اخبار داخلی

اخبار داخلی

وزیر ارشاد: هنر سفارشی، اعتبار ندارد

قابل توصیف است را نقد کرده است، گفت: شهید-مطهری بر خلاف آنها که می‌گویند هنرمند منعکس کننده صرف زیبایی‌های طبیعت است این اعتقاد را دارد که احساسات درونی و روح پاک هنرمند منشاء هنرنمایی اوست.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عرصه‌های هنر اسلامی از دیدگاه مطهری را بسیار گسترده عنوان کرد و افزود: مطهری معماری اسلامی را کمال یافته هنر‌های ما داند و نکته مهم، اما مغفول در خصوص آفرینش آثار هنری که مطهری بر آن تاکید دارد این است که زور و زور هر قدر قوی نیست ششاهکار خلق کند، جمله‌ای آگاهانه که متأسفانه در مدیریت هنری درک نشده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تاکید بر اینکه ایران از منظر هنر به مثابه تابلوی زیبایی است که در هر عصر تابلی خیره کننده‌ای داشته است و افزود: خوشنویسی، نقاشی، نگارگری و هنرهای نوپداری همچون گرافیک در ایران رشد کرده است.

وی ادامه داد: خوشنویسی، هنری است که در جوار قرآن و معارف اهل بیت(ع) شکل گرفته و تلقین هنر‌هایی همچون خوشنویسی، نقاشی و گرافیک حاصل ذوق هنرمندان معاصر و فرار آنها از کلیشه‌ها و تکرار است.

بر پای نمایشگاه آثار چاپ های دستی از امپرسینیسم تا امروز در موزه هنر های معاصر

احمد وکیلی همچنین درباره برگزاری چنین نمایشگاهی در حوزه هنر های معاصر تهران: نمایشگاه آثار چاپ های دستی هنرمندان خارجی با عنوان «تاریخ معاصر چاپ‌های دستی از امپرسیونیسم تا امروز» از آثار خارجی گنجینه موزه، ساعت ۱۷ روز ۲۲ اردیبهشت بعدازظهر در موزه هنرهای معاصر تهران افتتاح می‌شود.

در همین ارتباط احمد وکیلی دبیر نمایشگاه در ارتباط با برگزاری این نمایشگاه گفت: «اهمیت چاپ‌های دستی در دوره معاصر نه از باب تکثیر آثار بلکه به عنوان غنی ترین مدیا در حوزه هنر های تجسمی است تا بتوان تجربیات تازه را برای رسیدن به بیان بیستم بسیار بیشتر از قرن ۱۸ و ۱۹

در این نمایشگاه بیش از ۲۰۰ اثر از ۷۵ هنرمند، از جمله پیکاسو، سالوادور دالی، مارک شاکال، جسرپر جونز، ادوارد مونش، هنری تولوز لو تکر، جیمز وینستابل، جیم داین،خوانمیرو، آنتونیوتاپیس، کامیل پيسارو، آلدی وارهل و... به نمایش در می‌آید.

هر ساله و در زمان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب، نشست «سه سرزمین، یک زبان» برگزار می‌شود. این نشست در روزهای ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه به سه سرزمین، یک زبان» اختصاص دارد که با حضور فرانسیس هولز از سوئیس، سایهینه گروبر از اتریش، داوید واکنسر از آلمان و محمود حسینی‌زاد در مرکز فرهنگی شهرکتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر، نش کوچک سوسم برگزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.

آگهی تغییرات

به استناد صورتجلسه هیات مدیره مورخ ۹۲/۱۲/۲۵ شرکت پتروشیمی مارون (سهامی عام) و مدارک مربوطه که در تاریخ ۹۲/۲/۶ به این اداره واصل گردیده تغییرات شرکت مزبور به شرح ذیل می‌باشد.

آقای سید عباس حسینی با کد ملی ۰۵۴۱۳۷۱۰۸ به نمایندگی از شرکت نفت و گاز پتروشیمی تأمین به سمت عضو هیات مدیره برای بقیه مدت دو سال انتخاب گردید.

مراعات در تاریخ ۹۳/۲/۱۱ ذیل شماره ۶۴۹۹ به شناسه ملی ۰۷۷۶۷۱۰۸۰۶ به ثبت رسید.

شیخ زاده

رئیس ثبت اسناد و املاک ماهشهر

مجموعه آگهی‌ها

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت کارخانجات داروپخش (سهامی عام) دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ که در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۳/۳/۷ در محل شرکت واقع در کیلومتر ۱۸ اتوبان تهران – کرج – خیابان داروپخش – شرکت کارخانجات داروپخش تشکیل می‌گردد، با دستور جلسه ذیل حضور به هم رسانند.

ضمناً سهامداران محترم یا نمایندگان قانونی آنها که مایل به حضور در جلسه مذکور می‌باشند، می‌توانند ۴۸ ساعت قبل از تشکیل مجمع به واحد سهام شرکت واقع در آدرس فوق مراجعه و با ارائه ورقه سهم یا گواهی موقت سهام نسبت به اخذ برگ ورود به جلسه اقدام نمایند.

دستور جلسه

- استماع گزارش هیأت‌مدیره، حسابرس و بازرس قانونی شرکت
- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به صورتهای مالی عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹.
- انتخاب حسابرس، بازرس قانونی شرکت و روزنامه کثیرالانتشار.
- انتخاب اعضای هیأت‌مدیره
- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور باشد.

هیأت‌مدیره شرکت کار خانجات داروپخش (سهامی عام)

سامسونگ

SAMSUNG

قرعه‌کشی

سفر برزیل انجام شد

SMART TV 75F8000



اسامی برندگان مرحله اول و دوم:

نادر قویدل از تهران	محمدحسین ارجمند از قم	بهاره ولی پور از تهران	فرهاد امجدیان از تهران	محمدعلی اقدم تبار از تبریز	امین نظری از تهران	محمد ابراهیم سلطانی از مشهد	نقی کاویان از بندرگز	حمیدرضا قیومی از مشهد	حمیدرضا محمدی از تهران	منوچهر سپهری از تهران	محمود کریمی از تهران	غلامرضا حسینی از تهران	سعید فریدونی از تهران	بیژن نعمانی از تهران
محمود عسگری از ملایر	محمد محمدی از تهران	حمیدرضا عزیزی از تهران	محسن سوارانی از یزد	زینت سادات جلالی از اصفهان	علی تقی زاده از تهران	محمد ابراهیم کاووسی از تهران	علیرضا اظهري از اندیشه	جهان موقری جبین از اردبیل	محمد ظهوری نیا از تهران	یوسف مابری از قائم شهر	توکتم عطایی از فاروج	علیرضا دیواندری از مشهد	محسن معینی از تهران	طیمرابراهیمی از تهران

اسامی برندگان مرحله سوم (نهایی):

داود سلمانی از کرج	مهدی خواجهی از قم	محمد مردیها از خمینی شهر	محمد زرین کفش از رشت	فرحناز آتو از گنبد	ممد سردوکانه از قدس	محمود سلیمانان از تهران	حسین رستمی از تهران	مرتضی ملک پور از تالش	حبیب الله امیری اندی از تهران	حسین رفیعی از تهران	صادق رفیع پور از خرم آباد	مسعود دهقان از کرج	احمد سلطانی قمیوانی از شهرضا	دانیال صادقی ورزقانی از تهران
میثم جهانگیری از لاهیجان	محمد علی میر میری از تهران	سکینه قاسمعلی از گرگان	هوشنگ مچندهی از اردبیل	محمد بختیاری از کرمان	معین عبدالله زاده از مشهد	مهدی فرخنده از تهران	سید حسین مرشدی از مشهد	حجت الله شکر از قزوین	حمیدرضا نیک کاران از مشهد	زیرین سنجدیه از تهران	غلامرضا جعفرعلیزاده از تهران	علی احمد محمدی از قم	بهرز مهديزاده بنیسی از تهران	محمد رضا طائب از تهران
محمد رضا غلامیان از مشهد	محمد علی قرایی از مشهد	مهدی محمدی از تهران	پریوش لاجوردی از تهران	سجاد فتعی نژاد از گلستان	ناصر محمدی نیا از اهواز	سید مجید شریعتی از طرنبه	حجت الله شکر از قزوین	حمیدرضا نیک کاران از مشهد	زیرین سنجدیه از تهران	غلامرضا جعفرعلیزاده از تهران	علی احمد محمدی از قم	بهرز مهديزاده بنیسی از تهران	محمد رضا طائب از تهران	حمید زامهران از مشهد
ابراهیم آقایی از نظر آباد	محسن اکبری از تهران	محمد ابراهیم چراغی از همدان	محمد قلی زاده از کوچم سفهان	رضا جلال سهندی از تبریز	محمد هاشمی از اصفهان	منصور خان دارابی از شاهرود	حسن غریب از آزادشهر	سید مجتبی شجاعیان از مشهد	علیرضا فیض گلزانی از زابل	محمد رضا برغمندی از مشهد	محمد علی عباسی از اراک	نورالدین علیزاده از تهران	حامد عظیمی از تهران	مریم غلامی از تهران
مختار سلیمی از تهران	اسماعیل علی آبادی از سبزوار	محمود حمزه از اصفهان	رضا قاسمی از ساری	مجتبی حاجی اسدلهی از اصفهان	پروین پری ممقانی از تهران	کامران رهبری از کرج	فردوس عابدی از اراک	رضا مبیاد از شیراز	سید محسن حسینی از رشت					

منتظر سفرهای بعدی باشید...

ادب و هنر

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات
ویژه فرهنگ، هنر و ادبیات

سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۳
شماره ۲۵۸۶۶



حاجت موری به علم غیب بداند در بن چاهی به زیر صخره صفا
«سعدی»

به مناسبت درگذشت استاد محمدرضا لطفی

لطفی؛ هنر مندی پیشتاز و پیشرو

۱۴ محمدرضا ممتاز واحد

را که تا آن زمان به دست فراموشی سپرده شده بود، دوباره احیا و به همگان شناساند که آثار به جای مانده از این گروه در سری برنامه های گلهای تازه خود گواه این مدعاست.

لطفی پس از شهریور خونین ۵۷ و به عنوان اعتراض به جنایات رویداده، به سرکردگی

به دانشکده موسیقی دانشگاه تهران و بهره گیری از استادان و بزرگانی چون نورعلی برومند، دکتر محمدتقی مسعودیه، دکتر داریوش صفوت و ... در خصوص تکمیل اطلاعات و علوم موسیقی خود همت گمارد. لطفی در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی با شیوه های مختلف موسیقی کلاسیک



هوشنگ ابتهاج، همراه با سایر هنرمندان گروه شیدا و عارف، از رادیو تلویزیون ملی ایران استعفا داد. لطفی از بانیان اصلی کانون هنری چاووش بود و در این هنگام به جریان مبارزات مردمی و انقلابی پیوست. آثار لطفی در این دوران بخش حماسی و تهوّر آمیزی از موسیقی ایرانی را به منصه ظهور رسانید.

بقیه در صفحه ۵

ایرانی آشنایی پیدا کرد و این امر (به خصوص پس از آشنایی اش با سعید هرمزی)، لطفی را به غور و تأمل و تعمیق بیشتری واداشت. لطفی در سال ۱۳۵۴ به عضویت هیأت علمی دانشکده هنرهای زیبا درآمد. در تداوم این دوره با واحد موسیقی رادیو نیز مشغول به کار شد و گروه شیدا را بنیان نهاد. گروه شیدا حالت حسی و بُعد هنری مهجور شده ای از موسیقی کلاسیک ایرانی

به گواه تاریخ، پیوند میان علم و عمل در موسیقی تا قبل از صفویه بسیار عمیق بوده است. اما این پیوند پس از عصر صفویه به تدریج نیل به گسستن یافت و به ویژه در دوران قاجار کاملاً گسسته شد. در سده اخیر (۱۳۰۰ ه.ش) پیوند علم و عمل در حوزه موسیقی مجدداً مورد توجه قرار گرفت؛ هر چند که رویکردها در این خصوص کاملاً متفاوت بوده است. این دیدگاه ها را شاید در سه حالت کلی بتوان به غرب گرایانه، تاریخ گرایانه و پدیدار شناسانه تعبیر کرد.

در حدود دهه چهل هجری خورشیدی با تأسیس دو مرکز مهم دانشکده موسیقی دانشگاه تهران و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی، نهضتی دوباره جهت رجعت به گذشته و تجدید میعاد با سنن موسیقی ایرانی، برپا شد. یکی از پیشتازان این نهضت، استاد فقید محمدرضا لطفی بود. شادروان لطفی اساساً هنر مندی پیشتاز و پیشرو بود. هنر مندی کاریز ما، که با روحیه رهبری بالایش، سعی در ایجاد سبکی آوانگارد از موسیقی کلاسیک ایرانی، البته بر پایه سنت ها و اصالت های موسیقی آن داشت.

لطفی در سنین جوانی از موطنش گرگان به تهران عزیمت کرد و سپس در هنرستان شبانه موسیقی ملی به تحصیل مشغول شد. درک محاضر استادانی چون حبیب الله صالحی، علی اکبر شهنازی و سپس عبدالله دوامی، لطفی را با ذات موسیقی ایرانی آشنا ساخت. مؤانست و معاشرت لطفی با دوامی به جایی رسید که بعدها آوازهای استاد دوامی را برای ضبط و ثبت ردیف آوازی او، با تارش همراهی کرد. پس از آن با ورود

پای صحبت های

بهرروز وحیدی آذر، موسیقیدان

بخش زیادی از بودجه موسیقی
کشور هدر می رود

۱۴ هومن ظریفدا

بهرروز وحیدی آذر، هنرمند موسیقیدان و معلمی است که برای موسیقی آکادمیک این کشور، زحمت فراوانی کشیده است.

او در سال ۱۳۶۹ ارکستر مجلس و سمفونیک تهران را تأسیس کرد و خود رهبری آن برعهده گرفت که بعد از ۲۱ سال، امروز این فعالیت فرهنگی، متوقف شده است. او همچنین، مؤسس ارکستر سمفونیک تبریز ۱۳۸۲ است که این ارکستر نیز بعد از ۵ سال، فعالیتش به تنفس موقت دچار شده است.

و بعد از همه اینها، ارکستر فیلارمونیک ارومیه که در سال ۱۳۹۰ به کوشش وحیدی آذر، قوام گرفت؛ بعد از یک سال دچار خاموشی سازهایش شد.

بهرروز وحیدی آذر، بعد از این همه، هنوز هم به افق روشن موسیقی این دیار دل بسته است. گفت و گو کوتاه ما را بخوانید:



جناب وحیدی آذر، جوانانی که زیر نظر شما در ارکسترهایی که مؤسس آن بوده اید، اکنون در دوران رکود این ارکسترها، چه می کنند؟

بخشی در جریان های حرفه ای کشور مشغول کار هستند و بخش دیگر - حدود یک صد نفر - در کشورهای اروپایی، آمریکایی و استرالیا و کانادا، مشغول ادامه تحصیل و مشغول فعالیت هنری هستند.

یعنی در واقع در امتداد فرار مغزها، ما شاهد فرار ذوق ها هم هستیم؟

باید به تلخی بگویم بله.

چرا؟

کشتی کشتی به ایران ساز وارد می شود و این واردات ارزبر و هزینه زا برای نظام اقتصاد ایران، بیشتر سودجویی را به ذهن متبادر می کند تا وسیله ای برای طنین موسیقی. بیشتر این سازها، متأسفانه سر از طاقچه و دکوراسیون منازل در می آورد.

حتی بخش اعظم واردات ساز و آلات موسیقی که شامل ارگ های برقی و گیتار برقی است، تأثیر منفی در رشد عاطفی کودکان دارد و برای بهداشت روانی کودکان بی تردید مضر هستند و جالب اینجاست که از این سازها در کشورهای مبدأ و سازنده، چنین استقبالی که در کشور ما می شود، نمی شود!

مسئولیت این واردات بی هدف و بی رویه متوجه کیست؟ قطعاً سودجویانی که برخی در بدنه بعضی از ارگان دولتی هم هستند و دلالتی فرهنگ برای آنها بیش از فرهنگ سود دارد. من شاهد بودم که یک رئیس مجری موسیقی کشور، سازهای پیانوی به اصطلاح معروفی را وارد کرد که در تالار وحدت عرضه شد؛ با قیمت بسیار گزاف و چند میلیاردی. آن وقت برای معرفی این سازها در تالار وحدت کنسرتی تشکیل دادند و دو پیانیست از کشوری اروپایی، این سازها را نواختند و جالب این بود که سازها تا پایان کنسرت، کوک از دست دادند!

بقیه در صفحه ۵

دو نگاه به نمایشگاه «تی بگ» در گالری «هفتان»

فضایی برای تأمل



بفرمایید چای



مجموعه «تی بگ» هانی نجم شامل آثاری از دوره کاری متفاوت این هنرمند است. اولین آنها در امتداد کارهای پیشین «نجم» به مسئله حضور انسان در شهر می پردازد و فضای اتوبوس دستاویز خوبی را برای بازنمایی روابط انسان ها در شهر در اختیار هنرمند قرار داده است. در این فضا با انباشتی از بدن های انسانی مواجه می شویم، مردمی که با دست های چنگک مانند شان از میله ای آویزان شده اند. فضای رنگین آثار یادآور تبلیغات شهری هوس انگیز و نورانی است. احساس شادی که از تنوع پالت رنگی نقاشی ها به مخاطب دست می دهد، فریندگی و زرق و برق آگهی های تجاری و جعبه های الوان، محصولات مصرفی را به خاطر می آورد، گویا روح خاکستری شهر خود را با باسمه های رنگین بزک کرده است.

بقیه در صفحه ۴

نگاهی به رمان «در جدال با مرگ» و زندگی سوزان سانتاگ

می خواهیم زنده بمانیم



«امجد رضا رفیع زاده»

هنگام درمان از طریق ایمن سازی و شیمی درمانی در یادداشت روزانه اش نوشت: خودم را مثل ویتنام در زمان جنگ احساس می کنم. بدنم مورد هجوم قرار می گیرد. استعمار می شوم. برای من از سلاح شیمیایی استفاده می کنند. اما مجبورم شادی کنم...

مادرم کم کم با شیمی درمانی بهبود پیدا کرد و حضورش را در خانه و جمع بیشتر حس کرد و زندگی ادامه یافت.

نوبت به سرطان دوم رسید. انگار آماده شنیدن خبرش از زبان پزشکان بود. اعلام آمادگی برای درمان کرد. نوشته بود: البته من می دانستم که بیمارم و کاملاً یقین داشتم که باز سرطان به سراغم آمده است...

دو سال از جراحی دوم سرطان گذشت. یک سال هم با شیمی درمانی پشت سر گذاشته شد. می گفت: باید رمان «عاشق آتشفشان» را تمام کنم، هیچ چیز نمی تواند مانع شود، حتی سرطان...

و آن را تمام کرد. به او گفتیم: تو ماندی تا کتابت را تمام کنی. قرار نبود چیزی مانع شود، حتی جسم خودت...

مدتی گذشت. نوبت به شناسایی سرطان سوم رسید؛ آنهم سرطان خون. با همان اراده قبلی شروع کرد به جمع آوری اطلاعاتی در باره این نوع سرطان. وقتی مادرم پریشان ترین روزها را از سر می گذراند، اغلب می گفت: این بار برای اولین مرتبه در زندگی احساس می کنم که موجودی خاص هستم...

ساعت سه و نیم بامداد فشارخونش به مرزی خطرناک می رسید، نبضش ضعیفی می شد و اکسیژن در خونش کاهش می یافت. ساعت شش صبح نفس عمیق اول را کشید. چه زمان بی انتها و رنج آوری است و وقتی که پایان هستی یک انسان را تماشا می کنیم. بعد نفس عمیق دوم را کشید. همه این ها به دقیقه نمی رسید. سپس برای همیشه از نفس افتاد. صبح روز ۲۸ دسامبر ۲۰۰۴.

مادرم دوست نداشت جشمش سوزانده شود. جنازه اش را بدون هیچ مراسم و تشریفات به فرانسه بردم و در گورستان «مونپارناس» در پاریس خاک کردم. آن هم در همسایگی سیمون دوبووار، ساموئل بکت، ژان پل سارتر، ریموند آرون و بودلر.

سوزان سانتاگ با سرطانش به سایر نویسندگان گذشته که با بیماری مقابله و مدارا کرده بودند پیوست. نویسندگانی چون: کافکا (بیماری سل)، مارسل پروست (بیماری آسم)، داستایوفسکی (بیماری صرع)، ویرجینیا وولف (بیماری افسردگی) و ... اما آنها یک بیماری داشتند و او سه بیماری. سه سرطان مختلف.

کرده و خواننده را با لحظه های خنده و گریه زندگی سوزان سانتاگ همراه می کند. او خود نیز از نویسندگان مطرح امروز امریکاست و نوشتنش گویی فرمی دیگر از خلاقیت های مادر است. دیوید ریف در کتابش می نویسد:



«مادرم همیشه سعی می کرد سر حال باشد. روحیه بالایی داشت و با نوشتن داستان بود که دردش را فراموش می کرد تا بلکه سرطان را به زانو در بیاورد.

یکبار در کلیه چپ مادرم چیزی شبیه سرطان دیده شد. بعد معلوم شد که فقط خود کلیه شکل عجیبی دارد. بعد زمانی رسید که مادرم دچار معده درد شد، پزشکان گفتند ممکن است سرطان روده بزرگ باشد که بعد معلوم شد نیست.

او دو مورد احتمال سرطان را پشت سر گذاشت، اما در اوایل چهل سالگی سرطان واقعی را لمس کرد. مثل همه افراد سرطانی شمشیر دموکلس را بالای سرش احساس کرد اما گردش را به تیغه تیز آن هدیه نداد. مادرم می گفت: دلم می خواهد در برابر مرگ سنگری بسازم...

در سال ۱۹۷۵ وقتی پزشکان گفتند به سرطان سینه مبتلا شده است، معلوم شد که بیماری به غدد لنفاوی اش هم سرایت کرده است. در آن زمان مادرم شیمی درمانی می شد؛ روشی که تازه استفاده از آن تجویز می شد. مادرم آماده نبود در چهل و دو سالگی بعید. طبق روال باید او مرده باشد، اما نمرد. گرچه در انتهای منحنی بود. به علم عشق می ورزید و به آن اعتقاد داشت. در سال ۱۹۷۵ بیماری را که مشابه مادرم بودند، همگی مردند اما در مورد مادرم طول عمر و زنده ماندن بود که باعث حیرت کارکنان کلینیک بیماری های سرطان «هال استید» شد.

شاید تنها نویسنده ای در جهان باشد که سه بار با سرطان جنگید و دو بار سرطان را شکست داد؛ در حالی که تالب مرگ رفته بود. اما بار سوم نتوانست مقاومت کند و شکست خورد تا در قلب گورستان مرکزی پاریس در کنار سایر نامداران ادبیات جهان به خاک سپرده شود.

سوزان سانتاگ، نویسنده ای بود که در کنار نوشتن رمان، به مخالفت با سیاست های استعماری دولت امریکا هم پرداخت و به عنوان روشنفکری پیشرو، جنگ ویتنام را محکوم کرد و دولتمردان را به چالش کشید. او جستار نویس، فیلمنامه نویس، فیلمساز و نمایشنامه نویس هم بود تا به هنرمندی تمام عیار تبدیل شود.

داستان زندگی این بانوی نویسنده که توسط پسرش دیوید ریف نوشته شده، در کتابی با عنوان «در جدال با مرگ» منتشر شد و به فروش بالایی در جهان دست پیدا کرد. این کتاب در ایران هم با ترجمه فرزانه قوجولو توسط انتشارات نگاه به بازار کتاب کشورمان عرضه شده است.

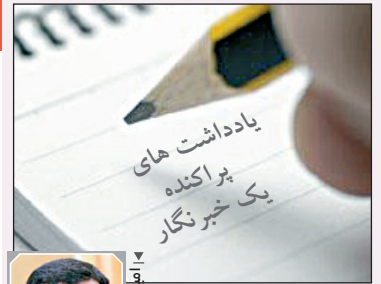
سوزان سانتاگ با نوشتن رمان های زیبایی چون: حامی، ابزار مرگ، در امریکا، عاشق آتشفشان و ... که به سی و دو زبان ترجمه شده، شهرتی جهانی کسب کرد اما زندگی او در پس این شهرت، همواره مورد سؤال طرفدارانش بود که چگونه برای سه بار با بیماری سهمگین سرطان به مقابله برخاست؟ و اکنون فرزندش با انتشار کتاب «در جدال با مرگ» به این خواسته طرفداران مادرش پاسخ داده است.

سوزان سانتاگ با نام اصلی سوزان رزنبلت در ۱۶ ژانویه ۱۹۳۳ در نیویورک متولد شد. در کودکی از بیماری آسم رنج می برد. پنج ساله بود که پدرش که تاجر پوست بود، در سفر به چین به علت بیماری سل درگذشت. هفت سال بعد مادرش با «ناتان سانتاگ» ازدواج کرد. از هشت سالگی شروع به خواندن داستان کرد و شیفته ادبیات شد. در دوره دبیرستان، دائم کتاب می خواند که باعث شد ناپدری اش بگوید: نباید آنقدر کتاب بخوانی؛ اگر می خواهی شوهر درست و حسابی پیدا کنی!

اما او کتاب خواندنش را بی وقفه ادامه داد. رمان های مطرح جهان را با صدای بلند می خواند تا فاصله بین تفکر و احساس را کمتر کند. حتی رمان «امام کوری» را چند بار خواند تا حفظش کند و به الگویی برایش تبدیل شود.

سوزان در سال ۱۹۵۰ در حالی که فقط هفده سال داشت با معلم مدرسه اش فیلیپ ریف ازدواج کرد که دیوید ریف، حاصل همین ازدواج بود تا بعد ها ویرستار آثار مادرش شود.

دیوید ریف در کتاب خود به زیبایی، تمام صحنه های سه مبارزه بی نظیر مادرش را تشریح



«امیرحسین آبرازدگان»

بفرمایید نمایشگاه کتاب

آقامیشم زنگ زده بود و ما را به خاطر حضور در روزنامه اطلاعات تحسین می کرد و برای این تحسین خود دلایلی می آورد؛ از جمله این که مؤسسه اطلاعات کتاب هایی خوب با قیمت هایی خیلی مناسب منتشر می کند.

بعد هم گفت که تازگی ها کتاب خاطرات علی اکبر عبدالرشیدی را از فروشگاه این مؤسسه واقع در خیابان انقلاب خریده و خوانده و خیلی حال کرده است.

لذا ما به فکر افتادیم تا از همه شما عزیزان اهل فرهنگ دعوت کنیم که امسال به خاطر گل روی ما هم که شده تشریف بیاورید نمایشگاه کتاب تهران و در این بوستان فرهنگی تنفسی هم بکنید. (هر کسی را هم صلاح دانستید با خودتان بیاورید؛ چون از نظر ما هیچ مشکلی نیست!) داخل شبستان مصالای امام خمینی که می آید، سراغ غرفه مؤسسه اطلاعات را از هر کسی بگیرید، راهنمایی تان می کند. یکی از روزهای دهم تا بیستم اردیبهشت منتظریم ها!

ضمناً در باره کتاب آقای عبدالرشیدی هم بگویم که اسمش «گفتنی ها» است و مشتمل بر خاطرات، مصاحبه ها و سفرنامه های ایشان است که به اندازه دروس یک دوره کارشناسی دانشگاه غیر آزاد تجربه تقدیم می کند به اهالی رسانه.

«نوروزنامه»ی وزین خودمان!

ویژه نامه نوروزی روزنامه مان که نام زیبای «نوروزنامه» را بر پیشانی خود داشت و در هفته پایانی سال گذشته توزیع شد، اثری در خور تحسین بود که جا دارد ما علیرغم مسئولیت خطیری که در نوشتن این ستون بسیار مهم (!) داریم، تواضع کنیم و از دست اندرکاران آن تشکر کنیم. بویژه آقای سردبیر که نمی دانیم آن عکسش را در کدام عکاسی انداخته است که خیلی قشنگ بود. (این تعریف را کردیم، بلکه به زعم باطل ما، ایشان امسال به این ستون ما بیشتر جا بدهد!)

القصه و از شوخی گذشته، انصافاً ویژه نامه نوروزی خوبی بود. بویژه برای ما که در هنگام انتشارش در بندر لنگه تشریف داشتیم و گیرمان نیامده بود و بدجوری عطش تهیه اش را داشتیم، خیلی شیرین جلوه کرد.

چرا که در اوج ناامیدی از نیافتن آن، متصدی کتابفروشی و لوازم التحریر فروشی فرهنگ آن شهرستان لطف کرد و یک نسخه اش را به ما هدیه داد که از همین جا هم تشکر و قدردانی مان را مجدداً ابلاغ می کنیم.

البته به دوستان دست اندرکار ویژه نامه نوروزی بویژه جناب سردبیر گرامی هم پیشنهاد می دهیم و آن هم این که چه خوب است که چنین ویژه نامه هایی را به صورت فصلنامه یا ماهنامه هم عرضه کنیم.

البته اگر به لحاظ اقتصادی صرفه کند. خلاصه کلام که آن ویژه نامه را تهیه کنید و بخوانید که اگر نخوانید ضرر کرده اید!

پدر سوخته!

انتقال و حکم فارسی



«محمد فارسا هریریزاد»

آب حیات است پدر سوخته
نقل و نبات است پدر سوخته
عبارات «پدر سوخته» در این شعر مرحوم جلال الملک (ایرج میرزا) از آن اصطلاحاتی است که در زبان کوچه و بازار رایج است. به عبارتی، فحش رقیق و لطیف و ملایمی است که کسی به کسی می کشد. در کتاب خاطره رجال عصر قاجار، نثار می کند. در کتاب خاطره رجال عصر قاجار، «پدر سوخته» فحش فاخری بود که از لبان ناصرالدین شاه قاجار تقدیم رجال بی کفایت و متملق دربار می شد! پدر سوخته، اصطلاحی است که گویا از مصر

کرده، در شوشتر گردن مشتری را می زند! شرط وام گرفتن، گرو گذاشتن جسد مومیایی پدر وام خواه بود و چه سند معتبر تر از این؟! و اگر در مدت مقرر، وام عودت داده نمی شد؛ وام دهنده مجاز بود جسد مومیایی پدر وام گیرنده را بسوزاند؛ یعنی بالاترین مجازات. کسی که دچار چنین وضعیتی می شد، در اجتماع و نزد افکار عمومی انگشت نما می گشت و بیش از پیش از اعتبار می افتاد و همه می گفتند که او پدر سوخته است! یعنی ورشکسته، مال مردم خور، بدبخت، خبیث و فریبکار است. کسی است که به تعهد خود عمل نکرده و باعث شده تا جسد پدرش را بسوزانند. یعنی کسی که سوزاندن جسد پدرش هم برایش مهم نیست. راستی در جامعه امروزی ما، چقدر «پدر سوخته» داریم؟!

باستان وارد زبان فارسی شده است. تاریخ ورود و علت نفوذ آن به زبان فارسی مشخص نیست. همچنانکه می دانیم، اعیان و اشراف و رجال متمول و با نفوذ خود شیفته مصری، بعد از مرگ، مومیایی می شدند تا جسد آنها برای اعصار و قرون باقی بماند و این عمل البته نوعی تفاخر هم به شمار می رفت. حال اگر فردی از افراد با نفوذ به عللی دچار فقر و فلاکت می شد، به ثروتمندان و نزولخوران وقت مراجعه می کرد و وام می خواست.

(انصافاً وام گرفتن آن زمان در مقایسه با روزگار ماسهل و راحت بوده. این روزها، بانک ها کارت ملی را که بر اساس شناسنامه صادر شده، معتبر می دانند ولی خود شناسنامه را برای احراز هویت واقعی شخص به اداره ثبت ارسال می کنند. خب در بلخ کسی اختلاس

معرفی مجموعه شعر «این ماهی سرخ بند نمی آید»/حامد رحمتی/مروارید/۹۲

نمایشگاه کتاب امسال و نمایش تقدیر و امید

نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در بیست و هفتمین دوره اش، اولین آزمون دولت تدبیر و امید در زمینه کتاب و صنعت نشر، خبر از اردیبهشتی سبز دارد. طایه دار بهار کتاب و گشایش درهای بسته اهل قلم، جماعت کتاب خوان ایران این اتفاق فرخنده را به پله بیست و هفتم رسانده است و خبرهای امیدوار کننده اش نویدبخش روزهای خوبی برای شاعران و نویسندگان آن قلم است.

دعوت از شاعران در روز ۱۷ اردیبهشت و اسکان و پذیرایی از این قشر مظلوم، خود سر آغاز تحول در نگرش دبیرخانه نمایشگاه و وزارت ارشاد به صاحبان واقعی نمایشگاه است. عزیزان بزرگواری که عمری عرق ریزان روح داشته اند و هرگز در جشن سالانه کتاب (به علل مختلف) دیده نمی شدند، حال اتفاق خوشایندی است اردیبهشت کتاب و دیدار آفرینشگران کلمه و کلام از آخرین تولیدات ادبی خود در جمع مخاطبان صدیق.

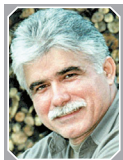
امید است که این خبر خوش ادامه داشته باشد. در نشر کتاب و صدور مجوز نیز تحولی ایجاد شود. گرانی کاغذ خیلی از ناشران را بیچار کرده است. تخصیص یارانه کاغذ به ناشران واقعی و ریشه دار، سبب ارزانی کتاب خواهد بود. من خود شرم منده مخاطبین شعر خویشم. کتاب هزار تومانی من در چاپ ششم، شش هزار و نهصد تومان قیمت پشت جلد خورده است. تسهیل در صدور مجوز برای اهل قلم شریف ایران که با تمام سختی های روزمره در کنج خانه مانده اند و به شعر و داستان امروز رونق بخشیده اند، از واجبات است.

باید قدر ببینند و بر صدر نشینند. حرمت واقعی این عزیزان، ایجاد تسهیلات در چاپ کتاب هایشان است. بزرگان صدر نشین! فقط یک بار امتحان کنید، زبان نمی کنید. حضور استاد

محمود دولت آبادی در نشست ریاست جمهوری با اهل قلم و هنر، طلیعه یک آشتی ملی در این زمینه بود. دست بزرگان ادب و هنر را ببوسید. بگذارید ایران بزرگ به فرهنگ بزرگش بیابد. دل شکستگان را دریابید. گوشه نشینان عرصه شعر و داستان را از انزوا به در آید. آنها نیاز به محبت و دلجویی دارند. ضرر نمی کنید.



نمایشگاه بین المللی کتاب، پر طرفدار ترین نمایشگاههای خاورمیانه و شاید جهان است. مثل دیدار استقلال - پرسپولیس، دانشجوی و کارمند و کوچک و بزرگ پیر و جوان، زن و مرد، از اقصی نقاط کشور، خود را به مصالای تهران می رسانند تا در این حج فرهنگی شرکت نمایند. قدر این جماعت فهم را بدانیم و برای رفاه آنها از جان و دل مایه بگذاریم. خانه کتاب با تنظیم برنامه های جانبی در سراسر اهل قلم، به شعر و داستان خوانی میدان بدهد. ده شب نمایشگاه، ده شب شعر و داستان باشد. فقط مراد از نمایشگاه، منفعت طلبی نباشد. نمایشگاه، نقش فروشگاههای شب عید را بازی

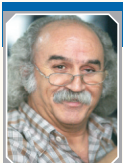


نمایشگاه کتاب امسال و نمایش تقدیر و امید

نکنند؛ به خاطر تخفیف و حراج... کتاب سازی و کتاب شویی نکنند. و ارائه کتاب های برتر در نمایشگاه در اولویت باشد. به تیراژ و عنوان بی شمار توجه نکنید. نگوئید چندین هزار کتاب، بگوئید چند کتاب! با حمایت جالب و جامع و اصیل از شاعران و نویسندگان و مترجمین واقعی، بگذاریم پرستوها به لانه های خود برگردند و ناشران ایرانی، ناشر افکار ایرانی باشند. اگر می پذیریم تهران ام القرای اندیشه و هنر ایران است، اجازه بدهیم بدون خط کشی و مرز بندی، شعور ایرانی در قالب شعر و داستان شاهد چاپ و پخش اندیشه های عالی خود باشد. خودسانسوری بزرگترین آفت اهل قلم است. با سعه صدر، این آفت فرهنگ سوز را از روح و روان بزرگتر شعر و شور و شعور بزداایم و مهاجرین فرهنگی را به خانه خود برگردانیم تا بدانند که ایران اسلامی تاب تحمل تمام عقیده ها را دارد و برای ساختن ایرانی با شکوهرتر آمده است. یأس و بدبینی های اهل قلم، خیلی راحت می تواند تبدیل به امید و انرژی مثبت بشود. کار را به کاردان بسپاریم. یقین داشته باشیم که کتاب مثل نان در سبب خرید خانوارها خواهد بود. دولت تدبیر و امید، چه در زمینه شعر، چه در زمینه کتاب و هنر و سینما برنامه های امیدوار کننده ای دارد و صداهای خوب از تهران فرهنگی به گوش ما می رسد. امید که بپاید.

از اینکه این مطلب نقدینه بوی «چلوکباب وزارت»! داد، خواهید بخشید. مثبت اندیشی و نیک بینی یک شهرستانی ساده لوح را بپذیرید و دعا کنید که اهل قلم هرگز مشکل چاپ کتاب نداشته باشند و از طریق حق التألیف کتابهایش زندگی آبرومندانه داشته باشد.

آمین!



واکوی ترانه های قدیمی - ۱۸

گنجشک اشی، مشی



بود که به دلیل پررنگ بودن اعتراض در نحوه اجرای فرهاد هنگام خواندن شعر و تأثیرات معترضانه نوع خوانش ترانه بر مخاطب، ساواک و حوزه سینمایی وزارت فرهنگ و وقت، اتفاق نظر بر این داشتند که کسی به غیر از فرهاد باید این ترانه را اجرا کند و بدین سال اسفندیار راد مکنه گذاشتند که صدای فرهاد را از روی این ترانه بر دارد و آن را با صدای بانو پری زنگنه میکس کرده و روی فیلم صداگذاری کند.

اسفندیار اما تا آخرین روزی که در ایران بود، به رغم ساختارشکنی های ویژه اش در موسیقی پاپ آن روزگار و اختصاص دادن مسیری ویژه در حوزه موسیقی پاپ و روشنفکری همه تلاشش بر این متمرکز بود که از ابزار موسیقی پاپ برای روشنگری در طبقات و توده های عامی مردم نیز بهره گیری کند.

او که متولد سال ۱۳۱۹ و از اهالی جنوب شهر تهران و بچه کوچی در دراز خیابان ری بود و

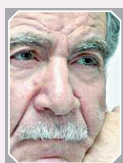
قصه دوستی اش با مسعود کیمیایی، فرامرز قریبیان و احمد رضا احمدی (شاعر نوپرداز و سپیدسرای معاصر) به دلیل هم محل بودن، از روزگار نوجوانی و جوانی آغاز شده بود، این دوستی را هنوز هم با آنان همچنان گرم نگه داشته است.

سازنده گنجشک اشی مشی نوازندگی عود را از دوازده سالگی آغاز کرد و در همان سال ها برای نواختن عود به رادیو ایران دعوت شد، اما مهم ترین نقطه عطف زندگی او رازمانی قلمداد کرده اند که او پایش به ساخت موسیقی برای سینمای ایران کشیده شد. اما پیش از آن نواختن سازهایی چون آکاردئون، سنتور، ویلون و تمبک را تجربه کرده و فرا گرفته بود و صدای این سازها در آثارش جلوه خاصی دارند (مثل صدای سنتور در موسیقی فیلم طوقی یا همناوای ویلن ها در موسیقی فیلم قیصر).

او با نواختن همین سازها جمال وفایی، خواننده معروف روزگار خود را در رسیدن به شهرتی که چندان هم آسان به دست نیامد، یاری رساند، پدر جمال وفایی قاری قرآن بود و خادم مسجد پشت بیمارستان سینا (در خیابان سپه سابق تهران) و پسرش جمال وفایی را به رادیو معرفی کرده بود، جمال می خواند و اسفندیار برای او می نواخت اما اسفندیار بعدها پایش به رادیو نیرو هوایی باز شد و به همراه آقای سلمکی آهنگساز آن روزگار عود می زد.

ادامه دارد

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



گلشن راز

گفتگو: کریم فیضی

جنگ با فیلسوفان

شبستری می گوید: عقل فضول، کار دست انسان می دهد. البته شبستری چون عارف است، میانه خوبی با فلسفه ندارد.

* در این صورت، آیا می توان سخنان شبستری یا دیگر عرفا را عقلی دانست؟

* شبستری ضد عقل نیست و ضد عقل سخن نمی گوید. ظاهراً او با برخی از نحله فلسفی مخالف است. شاید هم بتوان گفت با همه نحله های فلسفی مخالف است. به نظر من، فلسفه را اگر به معنای یک نحله فلسفی بگیریم، می توان با آن مخالفت کرد ولی فلسفه به معنای تعقل، به نظر من قابل مخالفت کردن نیست.

* شبستری در بیت بعدی به مصاف خرد می رود:

خرد را نیست تاب نور آن روی

برو از بهراو، چشمی دگر جوی
* روی سخن شبستری با عقل عادی و معمولی است که طاقت دیدن هستی مطلق را ندارد. رویا جمال حق چنان مشعشع و نورانی است که چشم خرد نمی تواند به آن خیره بشود.

هیچ چشمی نمی تواند به صورت مستقیم به خدا نگاه کند. با چشم عقل ظاهری نمی توان به جمال حق نگاه کرد. پس برای دیدن او، باید چشم دیگری مهیا کرد.

پس می توان به جمال حق چشم دوخت ولی نه با چشم معمولی. دیدن این جمال، نیازمند چشمی دیگر است. با چشم عقل ظاهری بین و عقل و فلسفی و حلولی اگر بخواهیم به پر تو نور حق نگاه کنیم، کور می شویم. تنها چشم شهود است که می تواند به نور حق خیره شود.

* بیت بعدی در وصف دو چشم اهل فلسفه است:

دو چشم فلسفی چون بود احوال

ز وحدت دیدن حق شد معطل
* شبستری رسماً به جنگ فیلسوفان آمده است، چون نمی گوید یک چشم اهل فلسفه مشکل دارد، بلکه معتقد است که هر دو چشم فیلسوفان احوال و معیوب است. احوال یعنی دو بین. پس فیلسوف ها، دو بین هستند.

بنابراین، نمی توانند وحدت حق را درست درک کنند و ببینند؛ روشن است که این حرف نمی تواند درباره فیلسوفان وحدت بینی چون ملاصدرا صادق باشد. نه ملاصدرا دو بین است، نه ابن سینا. مراد شبستری را باید به گروه دیگری از فیلسوفان مربوط دانست.

* در واقع، فیلسوفانی که دو بین هستند....
* شاید بتوان ارسطو را دو بین ذکر کرد و فیلسوفانی مانند میشل فوکو و برتراند راسل که در هر حال فیلسوف هستند ولی وحدت را قبول ندارند و قائل به کثرت هستند. شما می توانید کثرت بینی فیلسوفان امروز را به مردم نیز تعمیم بدهید. وقتی فیلسوف کثرت بین و دو بین باشد، مردم دیگر باید هزار بین باشند. چشم دو بین نمی تواند وحدت را ببیند و تقریباً همه مردم چنین هستند.

مردم کثرت بین هستند، تا به آن حد که اگر کثرت بینی را از مردم بگیرند، تعدادشان به هم می خورد. اگر شما خیلی به خودتان فشار بیاورید تا وحدت را تحلیل کنید، خواهند گفت: چیزی که می گوئید یک امر انتزاعی است. غالباً کثرت بین ها کثرت را اصل می دانند و وحدت را اعتباری.

ادامه دارد

می گیرند و دست هایی غیر انسانی در آنها پدیدار می شود. در اینجا انسانی خسته نمود می یابد که دیگر فقط قربانی نیست بلکه قربانی هم می کند. در مجموعه سوم، که مجموعه «اتوبوس - خروس» است، فضا به نسبت دو مجموعه قبلی، بیمارگون تر می شود و به سمت یرقان زدگی می رود. رنگ زرد هر چه بیشتر از رنگ زرد گرم و زندگی بخش خورشیدگون به سمت زرد سرد بیمارگون می رود و در میان اشیا و شخصیت های مختلف آثار، خروس به یکباره ظاهر می شود. اما نه به زیبایی و صلابت خروسهای سحرخوان با تاج



های پراق و سینه های سپر کرده و دم های برافراشته. اتفاقاً برعکس. خروسی به زشتی شهوت های افسار بریده انسان ها. شهوت به مثابه میل و گرایشی سرکش. شهوت به مثابه قوه محرکه ای که می تواند به اوج برسد و یا به حضيض بکشد. اما در کنار این گونه تابلوها، اثری را می توان دید که اثری ترکیبی از موادی مانند تی بگ، رنگ روغن و... است. در این اثر، تفکری انتقادی در قالبی نه چندان جدید اما به شیوه ای ظریف و هنرمندانه و منحصر به فرد بیان شده است. ردیفی از چند انسان با سرهایی از چای های کیسه ای، که نخ های این سر تی بگ ها از بالا به دست کسانی است که تنها دست هایشان پیداست و خود نباید! شبیه پرده خیمه شب بازی، اما نخ در اینجا، سرخ تی بگ هایی است که پس از مصرف، آماده برای دور ریخته شدن اند! اینجا جاست که درد می گیرد، خنده تلخی چمباتمه می زند گوشه لب و تو می فهمی که غافلگیر طنزی تلخ شده ای، حقیقتی عریان در آینه های تو به تو، اما شیرینی ظرافتی که در شیوه انتقال حقیقت و این تفکر انتقادی وجود دارد، حال ات را سر جامی آورد. استفاده خلاق از تی بگ ها، فقط به همین اثر ختم نمی شود و هنرمند - واژه نقاش در اینجا برای هنرمندی همچون «هانی نجم» واژه ای محدود کننده



و ناکافی است - از این چای کیسه های مصرف شده و دور ریختنی که هیچ ارزشی ندارند، باز هم استفاده می کند تا مشغولیات ذهنی و ذهنیات بد و آزاردهنده و بی ارزش خود را به روی آنها به گونه ای ترسیمی و تصویری فرافکنی کند. با نگاهی سرسری نمی توان از کنار این آثار گذشت، اندیشه و نقد از اثری به اثر دیگر سیال و در حال جریان است.

باید ایستاد و تأمل کرد و از دیدن آثار به بینایی و بینش نقاش رسید. این نمایشگاه، تنها محلی برای عرضه اثر و پس انداختن یک بار اضافی نیست، بلکه محلی برای به اشتراک گذاری اندیشه است. محلی برای آزمون تفکر و آزمون مخاطب. محلی که شخصیت های بدون دهان و عصبی تابلوهای هنرمند که در زمینه ای از رنگ قرمز، از کلیدی ترین ابزار ارتباط یعنی کلام بی بهره اند و فقط در حال درون ریزی و تبدیل شدن به انباری از باروت و عصبیت اند و در انتظار مخاطبینی هستند که با دیدنشان دست به تخلیه و برون ریزی بزنند.

دو نگاه به نمایشگاه «تی بگ» در گالری «هفتان»

فضایی برای تأمل

تی بگ، خروس و باقی ماجرا...

پا به گالری ها و نمایشگاه های زیادی می گذاری، طرح، خطوط و رنگ هادر بافتی نو چشمهائیت را نوازش می کنند. توزیایی را می بینی، لذت می ببری و می گویی: چه زیباست! اما همه این دیده ها تو را به پیش نمی رساند.

گاهی یک اثر می تواند جوجه اردک زشتی باشد که در پستوی مفهوم خود و در مسیر فرآیندهای تأملی و شناختی مخاطب تبدیل به قویی زیبا می گردد.

وقتی پا به نمایشگاه آثار «هانی نجم» می گذاری، باید دست از تمامی پیش فرض ها و ذهنیت های متعارف قبلی ات از مفهوم نقاشی و هنر بشویی. باید از لحاظ ذهنی عریان بشوی. ممکن است دل کودک انتظارات از همان ابتدا بشکند، اما باید ذهن را به تعقل



«ایمن آفتابی»



می شویم.

و کنکاش واداشت. از همان اول، با تصاویری بدوی و زمخت، با رنگ هایی تند و متضاد، با انسان هایی مواجه می شوی که سرهایی بزرگ، چهره هایی بدون دهان یا دهان هایی گشاد، چشم هایی ترسیده، درشت یا تهدید کننده، دستانی دفرمه و کژدیس و شبه حیوانی، و کلیتی نجسب و البته شده دارند. اشکال دفرمه، خطوط دیلاق و رنگهای ناگیر اتوی ذوق می زنند، که اتفاقاً آمده اند در دست بزنند وسط خال پیش انگاشته هایت تا بلکه بیدار شوی. نمایشگاه با این آثار شبیه غاری است با بدویت و رازناکی خاص خودش. و نقاشش، انسان حساس معاصر است که غار تنهایی اش را زیر آفتاب کشف و تأمل عمومی گسترده است. وجه اصلی آثار «هانی نجم» در تفکر پشت آنهاست. وجه زیبایی شناسایی این آثار در هویت مفهومی آنهاست و در اشکال بدوی و دیلاقی که گاهی به نقاشی کودکان طعنه می زند، کودکی بدون شیهه پبله، عریان و روراست و زیبا، مثل زشتی و عریانی یک غریزه بدوی.

مهمترین خصوصیت آثار هانی نجم، ایده های نوین او در بیان مفاهیم و اندیشه ها در شکلی هنری است. این ایده های نو در کنار نگاه خاص هنرمند به مسائل انسانی روزمره و پیرامونی خود، به حوزه کاربرد و ترکیب مواد، چگونگی اجرای اثر، و نماد سازی نیز کشیده می شود و ما پشت هر اثر و مجموعه آثار او، تفکری هوشمندانه و انتقادی را می بینیم.

آثار هانی نجم از مجموعه «اتوبوس» شروع می شود، با آن فضای خسته و بیمارگون و شلوغ. در این مجموعه اما انسان ها هنوز دفرمه نشده اند، انسانها معمولی اند اما خسته و قربانی. در مجموعه بعدی «اتوبوس»، این انسان های خسته و قربانی، تغییر شکل و شخصیت و ماهیت می دهند. فضا عموماً زردتر می شود، رنگ ها در تضاد بیشتر تندتر و شدیدتر می شوند و قرمز به کار می آید. شخصیت های نشسته و ایستاده در وسط اتوبوس، جنبه های حیوانی به خود

میزبان دوستی بودم. پس از رفتن او فهمیدم تی بگ های چایی که در این چند روز نوشیده رادر پشت پنجره گذاشته است و آنها خشک شده اند. لکه ها مرا به بازی فرا خواندند. تجربه های اولیه نقاش، بیشتر از این جنس هستند. دور لکه ها محصور شده و این گونه فرم ها متولد شده اند. کم کم این فرم ها بدل به اجزای صورت شده پرتره ها را به وجود آورنده اند. پرتره هایی از جنس آدم های «هانی نجم» اما خام دستانه تر از مجموعه های پیشین او.

قرار گیری این آثار که هم از نظر اندازه و هم بستر نقاشی کاملاً خلاف آمد عادات بصری مخاطب عمل می کنند، در کنار مجموعه نقاشی های روی بوم، تمرکز مخاطب را برای توجه به هر دو مجموعه کم می کند. در یک سوی گالری مخاطب با تابلو های رنگین در ابعاد نسبتاً بزرگ مواجه می شود و در سوی دیگر با قاب های چوبین که هر کدام در دل خود تی بگی منقوش جای داده اند. در مجموعه تی بگ ها، با سطح مملو از عناصر بصری مواجه

برخی از اندیشمندان تاریخ هنر میل به پوشاندن سطوح خالی به وسیله خطوط و اشکال و تحمیل شکل افریده شده بر جهان را از انگیزه های آغاز هنر در تاریخ می دانند. در این نظریه، هنر محصول انتزاع و بر پایه اصول فرمیک، با هدف استیلزه کردن و آرمانی کردن زندگی به وجود آمده است. چنین می نماید که «هانی نجم» نیز با هدف خودی سازی جهان پیرامونش چنین رد پای از خود بر اشیای زندگی اش باقی گذاشته است. همچنین اندیشمندان تاریخ هنر از میل به جاودانگی به عنوان محرکی قوی در جهت خلق آثار هنری یاد می کنند. آدمی در دوران سنگ اثر دستش را بر دیوار غار ثبت کرده است تا بودن خود را در آنجا جاودانه کند، در این نگرش آدمی از طریق تاثیراتش بر محیط باقی می ماند. در اینجا «هانی نجم» ماده عجیبی را برای جاودانه شدن برگزیده است: «تی بگ»، شیبی که آدمی آن را برای مچاله شدن ساخته است، اما در اینجا صورت هایی از انسان را بر آنها نقش بسته می بیند و تی بگ را نیرویی خارجی تغییر می دهد. در تی بگ های این مجموعه، شرایط بیرونی، انسان و چای کیسه ای را همانند هم مچاله و له کرده است. این ابزار جدید تازگی و جذابیتی برای هنرمند فراهم کرده و به او فرصت تجربه های تازه را بخشیده است. اما مهم این جاست که این تجربه ها تا چه میزان در جهت شکل دهی و تکامل نوع نگاه هنرمند به جهان پیرامونش قرار می گیرند. اگر هنرمند در نگاهش به پختگی رسیده باشد، هر تجربه ای به مانند ابزاری در دست او سبک شخصی اش را پیش می راند؛ اما اگر چنین نباشد تجربه ها در روند کاری هنرمند چند پارگی و تشویش پدید می آورند. به نظر می رسد که «هانی نجم» در این آثارش همچنان در جهت دست یابی به نگاه و خط مشی شخصی خود در حرکت است.

بقیه از صفحه اول

در این مجموعه، بدن آدمیان را سطوحی تخت از رنگ های پر مایه و غلیظ تشکیل می دهد و همان رنگ هایی که برای ساختن محیط به کار رفته، بدن های مقوایی مردم را نیز ساخته است. این سطوح هم دیگر را می پوشانند؛ اما هرگز در هم فرو نمی روند. خط هایی تیره و نیرومند آنها را در محدوده های خود باقی نگاه می دارند. خط های دور گیری، همان ها که مرز بدن ها را می سازند، سدی در مقابل هر گونه ارتباط میان آنها ایجاد کرده اند. در اینجا همه چیز مسطح است. هیچ تلاشی برای حجم پردازی و ایجاد وهم بعد سوم صورت نگرفته است. صورت های تخت و بدون دهان آدم ها، صورتک هایی را می مانند. آدم ها اما، گاه این صورتک ها را با ماسکی مضاعف پوشانده اند. نگاه ها خیره به جایی است، اما چشمانشان احساسی را بیان نمی کند؛ گویی هیچ چیز نمی بینند. دومین مجموعه نقاشی ها، که این نمایشگاه نیز عنوان خود را و امدار آنهاست، کاملاً متفاوت هستند. اینجا دیگر از نقاشی روی بوم خبری نیست. تصاویر روی سطوح کوچک و به نظر کم اهمیت چای کیسه ای نقش بسته اند. در طول تاریخ هنر، بستر نقاشی نیز همانند دیگر ابزارهای آن تغییر و تحولات بسیاری را از سر گذرانده است. از نقاشی انسان دوران سنگ بر دیوار غارها و نقش زدن بر سطوح سفالین تا نقاشی بر بوم و نقاشی دیجیتال امروزی.

این تغییرات تا پیش از قرن بیستم معمولاً در جهت ایجاد بستری پدیدارتر و ماندگارتر به پیش می رفتند، اما هر چه به پایان دوران مدرن نزدیکتر شدیم از اهمیت هنر به عنوان امری والا و جاودان کاسته شد. تحولات هنر در این دوران بیش از هر دوره دیگر وابسته به تحولات اندیشه است. اندیشه مدرن بر پایه تفکرات اندیشمندانی همچون «دکارت» و «کانت» بنا شده است. این گونه تفکر آدمی را فاعل شناسا و نفس متفکر می دانند. قرار بر این است که تمامی دنیای پیرامونی و حتی خود جسم آدمی به عنوان موضوعات شناخت در اختیار این من درون ذات قرار گیرند. حال پرسش اینجا جاست که این تفکر چگونه واقعیتی را بر جهان مستقر ساخته است؟ آیا محصول حقیقی این دنیای مدرن، انسانی پویا و پرسش گر است یا من



قدرتمند بیرون از او است که فرصت هر درنگی را از او باز پس می گیرد؟

آدم امروز دنیا را نمی شناسد بلکه آن را مصرف می کند و شتابزده جهانی را که می پندارد شناخته است، می بلعد. محصولات یکبار مصرف یکی از بارزترین جلوه های این گونه زندگی هستند. آنها هر روز زندگی را سریع تر و خالی تر از معناهای فردی معنی می کنند. ما چیزی به آنها اضافه نمی کنیم، همه چیز بر طبق قاعده ای از پیش تعیین شده رخ می دهد. کیسه ای کوچک از نخ اویزان شده است؛ چند لحظه آن را در آب جوش تکان می دهیم و به سرعت از خود دورا می کنیم. در این میان هیچ فرصتی برای توجه وجود ندارد. آدمی هیچ چیز را از آن خود نمی سازد. اما گاهی حادثه ای این روند تکراری دیدن را تغییر می دهد. کسی تصمیم می گیرد که روی تی بگ ها نقاشی کند. تجربه ها به سرعت تصاویر را خلق می کنند. ابتدا همه چیز مانند بازی پیش می رود.

«هانی نجم» خود آغاز این بازی را این گونه روایت می کند: «در کارگاه نقاشی ام چند روزی

لطفی؛ هنر مندی پیشتاز و پیشرو

بقیه از صفحه اول

همانطور که در ابتدای نوشتار هم اشاره شد، استاد محمدرضا لطفی را بایستی هنر مندی پیشتاز و پیشرو دانست. لطفی پس از انقلاب فعالیت هایش را در کانون چاووش و دانشگاه تهران ادامه داد و سپس به خارج از کشور مهاجرت کرد. پس از سفر طولانی مدت، حدود ده سال پیش به ایران بازگشت و باز هم آرام ننشست. برپایی گروه های سه گانه شیدا و فعالیت مکتب خانه میرزا عبدالله از جمله خدمات مهم لطفی در دهه آخر عمر او بود. او حتی با صدای جمهوری اسلامی ایران به همکاری پرداخت و در برنامه نیستان (رادیو فرهنگ) به تدریس ردیف همت گمارد.

نگارندهی این نوشتار در زمان فعالیتیم با رادیو، به یاد دارم چند سال پیش در سالروز میلاد ایشان، ویژه برنامه ای توسط برنامه نیستان (رادیو فرهنگ) در حال تهیه و تولید بود.

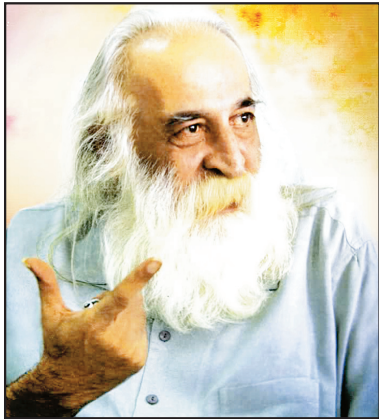
یکی از دست اندرکاران قدیمی این برنامه (جناب آقای علیرضا امینی) از نگارنده خواست که مهمان تلفنی این برنامه باشیم. این امر به دلیل زمان کوتاه برنامه محقق نشد و تقدیر بر آن شد که مطالب مورد نظر نگارنده در خصوص آن برنامه، در ویژه نامه ادب و هنر روزنامه اطلاعات منتشر شود. البته با هزاران افسوس که این بار باید در زمان سوگ و فقدان استاد انتشار یابد. مطالبی که از نظر خواهد گذشت، در خصوص آرا و نظرات و اقدامات و خدمات استاد فقید محمدرضا لطفی در عرصه نگارش است. در جهت تبیین اندیشه ها و دغدغه های لطفی در حوزه مطبوعات و به عبارت کلی تر، عرصه نگارش، به صورت بسیار بسیار کلی به دو حوزه می توان اشاره داشت:

- ۱) عرصه پژوهش
- ۲) عرصه نقد

البته شماره سومی را هم می توان قائل شد که هر دو حوزه پژوهش و نقد را توأمان با هم در بر می گیرد که در ادامه خواهد آمد. در زمینه پژوهش، از عمده مطالب مورد نظر و از اصلی ترین دغدغه های جناب لطفی، به این موارد می توان اشاره کرد: - مطرح کردن بحث پایه های فرهنگی موسیقی ایران (که از نظر ایشان بسیار حائز اهمیت بود)

- دستیابی به نظریه ای جامع و کامل برای موسیقی ایرانی (که بیشتر شامل تعاریف فرم شناسختی، سعی در جهت تبیین نظری فواصل و یافتن نوعی قاعده قابل بیان در نظام جمله پردازی ردیف و به ویژه روشی برای تجزیه و تحلیل اجرا بوده است)

با یک نگاه اجمالی می توان مباحث مهم در امر پژوهش را در مقاله های پژوهشی لطفی شناسایی کرد. اگر به صورت کلی، یک پروژه تحقیقی مورد



ارزیابی قرار گیرد، حداقل چهار مبحث ذیل باید در آن مشخص باشد:

مبحث اول «اهمیت موضوع تحقیق»: یعنی این که موضوعی که مورد تحقیق قرار داده شده، اصلاً ارزش ارائه به جامعه را دارد، یا خیر؟ مبحث دوم «اهداف تحقیق»: که مسأله بسیار مهمی است. هر تحقیقی دارای اهداف خاصی است و به دنبال آن اهداف است که تحقیق شکل می گیرد.

مبحث سوم «فرضیات تحقیق»: در هر تحقیقی فرضیه های اساسی پژوهشگر باید ذکر شود که این فرضیات، اساس و قلب تحقیق می باشد.

مبحث چهارم «روش تحقیق»:

۱) روش مطالعه تطبیقی (تحقیق مقایسه ای)
۲) روش مطالعه کتابخانه ای و اسناد (تحقیق نظری)
که البته در کنار تاریخ مکتوب، تاریخ شفاهی



محمدرضا لطفی

نیز بایستی مدنظر قرار گیرد به خصوص در زمینه موسیقی ایرانی، این مسأله حائز اهمیت است. یعنی چیزی که در ذهن و سینه استادان و صاحب نظران است که مکتوب نشده و لطفی در مقالات تحقیقی خویش از این مسأله غافل نبود و به تاریخ شفاهی بسیار اهمیت می داد. مطالبی که شرحش رفت اندیشه ها و مقالات شادروان لطفی را در عرصه پژوهش و تحقیق شامل می شد که البته به صورت بسیار کلی، ظاهر و نمای اندیشه های تحقیقی و پژوهشی ایشان را در بر می گرفت و الا بررسی تحلیلی این آثار، بایستی کارشناسانه تر صورت پذیرد.

و اما در عرصه نقد، لطفی صاحب نوشته های بسیاری بود که برخی از این مقالات بسیار بحث برانگیز جلوه کرد. البته در این نوشتار فرصت بررسی و تحلیل این مقالات نیست ولی تا همین حد باید اشاره داشت که نقد نیز چون پژوهش دارای ویژگی های ساختاری خود است و مراعات قوانین نقد (و مولفه های آن) و مهمتر از همه رعایت عدل و انصاف و دوری از حب و بغض از وظایف حرفه ای و اخلاقی یک منتقد است. همانطور که عنوان شد، در خصوص آثار نوشتاری استاد لطفی، شماره سومی را نیز می توان قائل شد که آن، مقالات پژوهشی - انتقادی ایشان بوده است. مانند مقاله «از نظریه صفی الدین ارموی تا فواصل موسیقی ردیف» که در عین حال که یک مقاله پژوهشی است ولی بارقه های نقد نیز در آن مشهود است.

استاد فقید محمدرضا لطفی، از آن دسته هنرمندانی بود که همیشه و همه حال در بستر زمان حرکت می کرد و در خصوص حوادث و وقایع روز در حوزه موسیقی نیز قلمفرسایی می کرد. چیزی که بیش از هر چیز نظر نگارنده را به سمت خود جلب می کند، این است که استاد لطفی از نوشتن در مطبوعات ابا و واهمه ای نداشت و کاری را که برخی از هم رنگان او شاید کسر شأن خود می دانستند، او با عقیده و ایمان و با رسالت استوار خویش بدان اهتمام ورزید؛ زیرا محمدرضا لطفی هنرمندی مردمی بود و به همین سبب برای همیشه در یاد و خاطره مردم باقی خواهد ماند. روحش شاد و یادش گرامی باد.



محمدرضا لطفی

باز شود. در جریان تکامل اجتماعی مابه عنوان خانواده موسیقی، همه را مورد خطاب قرار دهیم. اگر می خواهیم کشورمان از لحاظ اقتصادی متکی به نفت نباشد، باید به زیرساخت های فرهنگی توجه کنیم. موسیقی چهره فرهنگ است، پس نمی توان بگوئید که فرهنگ و هنر را می پذیریم ولی نمی خواهیم چهره او را ببینیم! اگر موسیقی اینجاست که بازاری شده است، اتفاقاً ما هم در صف منتقدان موسیقی قرار می گیریم! اما تأکید من بر ترویج موسیقی مکتبی است. آن موسیقی که در خدمت جامعه باشد.

* با وجود اینکه یک کنسرت موسیقی، اعم از ملی یا کلاسیک، هنوز نتوانسته است در قالب پخش مستقیم سیمای ملی عرض اندام کند، کما اینکه مسابقات دسته سوم فوتبال پخش مستقیم می شود؛ چرا شما همچنان به جریان و آینده موسیقی دلگرمید؟

- عشق من را هدایت به آینده می کند. اما در آن مثال و مقایسه ای که گفتید، بگذارد برای قداست موسیقی، حرمت قائل شوم و بگویم که در شکل استاندارد ضبط تلویزیونی یک ارکستر سمفونیک، نت پارتیتور، هم در برابر رهبر ارکستر قرار داده می شود و هم در برابر دیدگان هدایتگر کارگردان هنری یا تلویزیونی حاضر در کنسرت.

پای صحبت های بهروز وحیدی آذر، موسیقیدان

بخش زیادی از بودجه موسیقی کشور هدر می رود



می رود. و پرسش اصلی این است که آن ۱۵ درصد بخش شده یا به عبارتی روی آنتن رفته، چقدر در اذهان مردم، خاطره انگیزه شده است.

* هدف اصلی شما به عنوان موسیقیدان چیست؟ تبلیغ موسیقی کلاسیک یا تمرکز بر پرورش جوانان؟

- تعلیم و تربیت جوانان. ما برای اجرای موسیقی هنری تلاش کرده ایم و قابلیت های شایسته ای را به وجود آورده ایم. توقع من این نیست که آنها صرفاً در زمینه موسیقی کلاسیک مشغول هنرنمایی باشند. چه بسا که بسیاری از آنها در خدمت موسیقی ملی بوده اند.

تلاش من این است که راهی برای موسیقی سالم

بقیه از صفحه اول

نکته جالب تر اینکه، من در مهد و پایتخت موسیقی اروپا، این همه سازفروشی و آموزشگاه موسیقی ندیدم. این همه واردات ساز چرا باعث ظنن موسیقی نمی شود؟ مشکل کجاست؟

* واقعا مشکل کار کجاست؟ آیا به تعریف موسیقی بر می گردد؟

- ما واقعا نیازمند تعریف صحیح و روشن از موسیقی هستیم. وقتی می بینیم به قول یکی از مسئولان موسیقی صدا و سیما از میان تولیدات صدا و سیما فقط ۱۵ درصد توانایی پخش دارند، پس باید نتیجه گرفت که بخش اعظم بودجه کلان موسیقی که در اختیار سازمان محترم صدا و سیماست، هدر

طنز در گلستان سعدی

بخش بیست و سه



محمدرضا لطفی

حکایت

پادشاهی پارسایی را دید، گفت: هیچت از ما یاد آید؟ گفت: بلی، وقتی که خدا را فراموش می کنم.

هر سو دود آن، کش زبر خویش براند و آن را که بخواند به در کس ندواند

شرح طنز

در این حکایت ساختار فکاهه غالب است. در فکاهه با دو بخش، بخش مبتدا و بخش منتهای مواجه هستیم. به این ترتیب که بخش منتهای بخش ابتدا است.

نوع طنز، طنز عبارت است که در عین حال طنز موقعیت در آن مستتر است. هر حکایت (یا داستان) لایه های پنهان دارد.

در لایه پنهان این حکایت مشخص است که پادشاه بنا بر غرور موقعیت اجتماعی خود، متوقع پاسخ هایی از این دست است که: بله! همیشه به یاد شما هستیم و امثالهم!

یعنی پاسخ هایی که مدام از درباریان خویش شنیده است اما پاسخ پارسا، طنز عبارت است که در عین حال، موقعیت پست به پادشاه می دهد: «گفت: بلی، وقتی که خدا را فراموش می کنم!»

چنین پرداخت های موجز داستانی با بیانی سهل و زبان و نثر ساده و در عین حال، آهنگین از عهده همه ساخته نیست مگر کسانی همچون افصح الممتکلمین، سعدی!

حکایت

یکی از جمله صالحان به خواب دید پادشاهی را در بهشت، و پارسایی در دوزخ، پرسید که موجب در جات این چیست، و سبب در کات آن چه؟ که مردم به خلاف این معتقد بودند!

ندا آمد که این پادشاه به ارادت درویشان به بهشت اندرست، و این پارسا به تقرب پادشاهان در دوزخ.

دلقت به چه کار آید و مسیحی ۱ و مرقع ۲

خود را ز عمل های نکوهید بری دار حاجت به کلاه برکی ۳ داشتنت نیست درویش صفت باش و کلاه تتری ۴ دار

شرح طنز

طنز آشکار و طنز موقعیت، مبنای این حکایت است: بنا به موقعیت پادشاهی که اغلب اوقات با ستمگری هم همراه است، تصور بر این می رود که پادشاهان در درکات روحی واقع باشند و پارسایان در در جات روحی قرار بگیرند. اما: «ندا آمد که این پادشاه به ارادت درویشان به بهشت اندرست و این پارسا به تقرب پادشاهان در دوزخ!»

تضاد و تقابل میان تصورها، باعث ایجاد طنز آشکار موقعیت شده است به قول سعدی: «که مردم به خلاف این معتقد بودند!»

شخصیت پردازی: با این که اشخاص اصلی این واقعه حضور ندارند اما سعدی با ایجازی در خور توجه داستان نویسان، ایجازی که بی اغراق اگر نه بی نظیر که کم نظیر است، از این دو شخص، شخصیت پردازی دارد.

مشخص است که سلطان این حکایت، پاکدل بوده و در عین حال ظاهر و باطنش یکی بوده است. در تضاد با او پارسای ریایی است که همه هدفش تقرب جستن به پادشاهان بوده، بنابر این برخلاف اعتقاد مردم، جایگاه ها و موقعیت هایشان تغییر کرده است.

ادامه دارد

پی نویس ها:

۱. جامه پشمینه خشن

۲. جامه وصله دار

۳. کلاهی دراز از پشم شتر

۴. مخفف تاتار، کلاهی است که مغولان به سر می نهاده اند.



«عبدالصابر کاکایی»

تازه های شعر در نمایشگاه کتاب

دوستانداران غزل جوان به نمایشگاه کتاب فرستاده است. او از غزلسرایان محبوب و خوش ذوق این روزگار است. آرامگاه ادبی را انتشارات فصل پنجم منتشر کرده است. با هم غزلی از محمدرضا را بخوانیم:



شعر جوشید و بر زبان آمد، از گلو استخوان در آوردند
شعر من یافه های ذهن نیست زخم هایم زبان در آوردند
آه مستانه ام که بالا رفت، پاده از آسمان شب بارید
مردم بسته چتر وا کردند، عاشقان استکان در آوردند
می نویسم، اگر چه می دانم، شعرها نانوخته ناب ترند
حرف های دلم تباه شدند، تاسر از این دهان در آوردند
خواستم با سکوت و دم نزنم، حرمت دوستی نگه دارم
دشمنان زیر کانه از دهنم، «شکوه از دوستان» در آوردند
دشمنی های دوستان این سو دوستی های دشمنان آن سو
دوستان دشمنه در دلم کردند، دشمنان داستان در آوردند
زیر آوار درد های خودم، مدتی مرده بودم اما باز
دست های تو از دل آوار، جسدی نیمه جان در آوردند



بازنمایی های تراژیک

«بازنمایی های تراژیک یا کی شعر ترانگیزد خاطر که حزن باشد»، عنوان نخستین مجموعه شعر سپید زهره طلوع حسینی است. کتابی که در نخستین مواجهه با آن، عنوان جالب و طولانی اش جلب توجه می کند. شعر زنان در سالهای اخیر چهره هایی جدی و خوش آتیه ای را به شعر امروز معرفی کرده است. این کتاب را می توانید از غرفه نشر نیماژ تهیه کنید. بخشی از شعری از طلوع حسینی را پیش چشم شما می گذاریم:
اگر چه همه عمر فرصت نداشتم
اما شاید بتوان همین حالای عمر
همین چندان الگوی بدلی را
به حلقه های مفقوده جهان تشبیه کرد
آنگاه دست های من
آنگاه شعرهای او

من آن مترسک تنهای روبه پاییزم
تو آن فرشته غمگین پشت جالیزی
شکوه بر که ای اماشبیه فواره
دوباره دست به زانو بزن که برخیزی
همه آنچه که نگفتی
سومین مجموعه شعر سینا به منش، «همه آنچه که نگفتی» نام دارد که با انتشارات نیماژ راهی نمایشگاه کتاب امسال شده است. به منش از کوتاه سرایان جدی شعر امروز است که افزون بر شعر، دستی نیز بر آتش گرافیک دارد. دو شعر کوتاه از همه آنچه که به منش نگفته است:

(۱)
«دیوارهای سلول را چرخاندی/ حالا تو آزادی/ و جهان زندانی!»



(۲)
«نه زبان هم را می فهمیم/ نه نگاه هم را می بینیم// تنها وجه اشتراک ما/ وجه رایج کشور است»
بلوک باشی
اسماعیل مهرانفر از شاعران جدی و توانای گیلان است. بلوک باشی، عنوان نخستین مجموعه شعر او است که به همت انتشارات نیماژ در نمایشگاه کتاب به علاقه مندان شعر نو عرضه می شود. برای مهرانفر آرزوی موفقیت می کنم و در انتظار کتاب های بعدی او خواهیم ماند.

«شنیده ها در همین حد اند/ او در توان اش نیست زندگی کند/ شنیده ها چه کنند/ او ارتباط تو را با قبر/ و خفتگان دیگر این گورستان/ چگونگی بیابند/ در تو میل نفس/ در تو امیالی است بریده بریده/ و جهان/ خودش را دوباره با تو/ امتحان نخواهد کرد/ شنیده ها پشیمان اند/ و رفته اند از گوش/ خبری جا نگذازد



بیاورند/ حاکسی از من و یک نعش ترکیبی/ ترکیبی از من و یک مرگ ترکیبی/ از شنیده های درست/ از آنان که می شنوند اما/ به گوش نمی رسند/ آنان که حاکسی از من اند اما/ حکایت نمی کنند.»

آرامگاه ادبی

محمدرضا طاهری پس از کتاب سرفه های گرامفون، «آرامگاه ادبی» اش را برای بازدید

عشق پاره وقت

«عشق پاره وقت» عنوان دومین مجموعه شعر علیرضا راهب است که توسط انتشارات نیماژ در دسترس دوستان شعر سپید قرار گرفته است. راهب اگر چه از شاعران شناخته شده و با سابقه شعر امروز است، اما در منتشر کردن آثارش بر حوصله است و در طی سالها شاعری تنها دو مجموعه شعر را به پیشخوان کتابفروشی ها عرضه کرده است. شعری از این کتاب بخوانیم با نام مرگ پاره وقت: «مردن هم شاید اتفاقی نسبی ست/ کسی نیمه مرده است/ کسی مردنش را جشن گرفته/ کسی مرگ را اجاره کرده است/ این نمایش احمقانه را بارها خندیده ایم/ بیرون از سلطه این شعر/ زندگی می تواند وجود کسی باشد/ مرگ، تنها شدن از او.../ این طوری هر کس کمتر بمیرد شریف تر است/ یا/ این طوری هر کسی نمرده باشد اصلا زندگی نکرده است/ یا/ این طوری خوشبختی یعنی یک بار بیشتر نمرده باشی.../ یا/ اصلا مرگ از ابتدا مثل عشق، پدیده ای پاره وقت بوده است/ یا...»

نت های خاکستری گنجشکان

عنوان مجموعه غزلهای احسان قدیمی است که انتشارات نصیر این کتاب را با خود به بیست و هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران آورده است. این مجموعه دومین کتاب شعر احسان است



و پیش از این: «سمت سرازیر پایتخت» را منتشر کرده بود. غزلی از او می خوانیم:
شبیبه ابر از اندوه بر که لبریزی
به لب شکوفه ی بادام تلخ می ریزی
شبیبه اشک در آغوش قطره باران
نشسته در بغلم آفتاب پاییزی
ببند دورسرت روسری آبی را
که ماه را به سرشاخه ها ببویزی
بهار روسریت روی شانه افتاده
چقدر مثل غزل های من غم انگیزی



نگاهی به مجموعه شعر «جعبه سیاه»

سروده عبدالصابر کاکایی

انتظار پشت چراغ قرمز کلمات



«علی ابدالی»

«جعبه سیاه» مجموعه شعری از عبدالصابر کاکایی است که توسط انتشارات نیماژ منتشر شده و در برگیرنده شعرهای

کوتاه است. در این مجموعه، شاعر توانسته با تصویر پردازی های شاعرانه، نگاه خودش را در متن جاری کند. چراغ قرمز شعری است از این مجموعه که مخاطب در بدو ورود با آن مواجه می شود و مخاطب را پشت چراغ قرمز کلمات متوقف می کند. یک کنش از سوی متن که مخاطب را به واکنش فرا می خواند، گونه ای تأخیر که در هستی شعر زیست می کند و مرگ را به چالش می کشد:

«چراغ قرمز/ فرصت کوتاهی است/ تا در آیینه ماشین/ خیره شوی به سپیدی موهات/ مرگ/ از آنچه در آیینه می بینید/ به شما نزدیک تر است»

شعر چراغ قرمز با تلفیق چند فضای متمایز مخاطب را به بازی متن دعوت می کند. در گزاره نخست، شاعر سعی می کند با تأخیر معنایی مخاطب را پشت چراغ قرمز نگه دارد و پس از آن

با استفاده از تلفیق زمانی - مکانی، یک موقعیت مکانی را که در اینجا ایستادن پشت چراغ قرمز است، به یک وضعیت زمانی پیوند دهد. سپیدی موهات نشانه ای است که روی خط زمان مخاطب را از آیینه ماشین به گذشته پرتاب می کند. گذشته ای که در زبان جاری است و نشانه ای است که به چیزی یکسر دیگر دلالت دارد. گونه ای بازی که در متن این شعر زندگی می کند و مخاطب را به سوی مرگ پیش می برد: مرگ از آنچه در آیینه می بینید/ به شما نزدیک تر است.

شاعر در ادامه این بازی می کوشد تا با عبور از دو قطبی مرگ و زندگی، مخاطب را در فضایی نامتناهی رها کند. فضایی که در زبان جاری است و مرگ در آن اتفاق نمی افتد؛ چرا که در متن زندگی که شعر است، به بازی گرفته می شود. از دیگر کارهای این مجموعه شعر کوتاه «قربانی» است:

«جاده از راه رسید/ پیش پایش/ در ختان را سر بریدند»

در شعر قربانی شاعر مخاطب را در وضعیتی سرگردان قرار می دهد و با کشاندن مخاطب به گمراهی راه را برای رسیدن به یک معنای نهایی می بندد. در سطر اول این شعر جاده نشانه ای است که بر فاصله دلالت می کند. فاصله ای که در غیاب ترسیم می شود.

در گزاره دوم: «پیش پایش در ختان را سر بریدند/ شاعر با تلفیق دو فضای ذهنی و عینی مخاطب را وارد بازی درون متنی می کند و با به حاشیه کشاندن سوژه از قطعیت معنایی فاصله می گیرد. اگر چه در اکثر شعرهای این مجموعه، بازی های زبانی زیادی رخ نمی دهد اما شاعر می کوشد تا نگاه خود را از متن هستی در زبان شعر جاری کند.

در شعر مسافر، شاعر تلاش می کند تا با شکستن کلان روایت تاریخ، معضلات آن را بر جسته کند. شاعر روایت جنگ را در متن تاریخ و در عبور از زمان تمام ناشدنی و فرامکانی می انگارد که در مسیر هستی به سفر خون آلودش ادامه داده است:

«مسافری است/ جنگ/ سی وطن و در به در - / که می رود/ از سرزمینی به سرزمین دیگر...»

عبدالصابر کاکایی به عنوان شاعری که کودکی اش آمیخته با خاطرات تاریک جنگ است، می کوشد تا این تجربه شخصی را در زبان عمومی کند و آن را به روایتی ماندگار در بستر شعر تبدیل کند؛ به گونه ای که برای مخاطب جنگ در زبان اتفاق می افتد و چیزی خارج از زبان نیست: «.../ زمین جای پایمان را بزرگتر کرد/ آنقدر که/ جنگ، راهی سرزمین های دیگر شد.../ لبخند زدیم،/ خاکساری که پس گرفتند/ از سر و رویمان/ تکاندیم...»



اگر غلط نکنیم... که معمولاً ما از این غلط‌ها نمی‌کنیم... باید یک چاه ویل یا یک خندق بلایی چیزی در این شرکت‌های محترم خودروسازی کشف شده باشد که پرشدنی نیستند و هر چه در آن‌ها می‌ریزند، باز فریاد جوع و «هل من مزید»‌شان به هوا بلند است.

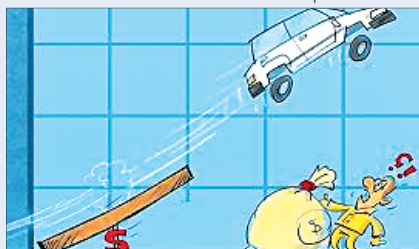


زیر نویس صمیمانه: چرا بیشتر ندادین؟... این که قابل نداره! یکبار در سال گذشته و به بهانه افزایش نرخ ارز و دلار، به یک باره قیمت هر چی خودرو بود... حتی عزیز دلمان ژیان... دوبله سوبله زیاد شد؛ چندان که هر کس پولی برای خرید یک پراید کنار گذاشته بود، با آن پول فقط می‌توانست یک موتور یا دو چرخه پیشرفته بخرد! (جهش اقتصادی در زمینه خودرو، از این بهتر و بالاتر؟...)

در سال جدید نیز با وجود وضع سیاست‌های حمایتی ارزی و تعرفه‌ای دولت برای خودرو سازان و اختصاص ارز مبادله‌ای به آنان، ظاهر ادراک خواست‌های این صنعت را انتهای نیست، چرا که باز هم درخواست افزایش قیمت محصولات خود را ارائه کرده‌اند. پیدا کنید سنگ پای قزوین را!

بسته پیشنهادی: هر چند که خود ما به شخصه فاقد هر گونه خودرویی می‌باشیم و به زبان حال می‌گوییم: «خوشبخت خودم که خبر ندارم/ از نرخ (یا: کارت) و جوش خبر ندارم!»؛ اما در بقیه هموعان دارای خودرو، درد ما هم هست. همانند جناب سعدی در دمشق، «من از بینوایی بی‌ام روی زرد/ غم بینوایان رخم زرد کرد». فلذا در راستای آنچه عرض شد، چیزهای دیگری به عنوان تکمله و پیشنهاد عرض می‌شود:

۱- عدم توجه: این یک قاعده فراشمول است که به



هر کس بیش از حد مهربانی کنی، خودش را لوس می‌کند. حتی در مورد بچه هم این قضیه به شدت صدق می‌کند. بیش از حد لازم، لی‌لی به لالایی طرف بگذارد، جو برش می‌دارد که حالا چه خبر است، و متعاقباً درخواست ماساژ هم می‌دهد. از این و دولت همان سیاست حمایتی خود را در قالب تخصیص ارز مبادله‌ای به خودروسازان ادامه دهد و دیگر هیچ... خیلی عطر خوبی به محصولاتشان زده‌اند که لب پنجره و در مسیر باد هم می‌نشانند؟

۲- بر خورد لازم: چرا فقط مشاغل و صنوف کوچک باید تعزیر شوند اگر کارفرم‌های بزرگ... شرکت‌های بزرگ خودروسازی هم دل دارند. تا به حال، رنگ تعزیر را هم ندیده‌اند و توقع دارند. لهذا اگر یک ریسال بر قیمت محصولات خود افزودند، روز روشن با آنها به شدت برخورد شود. شب تاریک هم نیست که بیم موج و گردابی چنان‌ها را حتی حائل باشد. مردم هم حمایت می‌کنند. اینها بعضاً خیال کردند که ملت بنده خدا روی گنج نشسته است. اگر اینطور بود که از گرفتن یارانه‌اش انصراف می‌داد!

۳- رفع سوء تفاهم: به نظر ما که این شرکت‌های خودروسازی دچار سوء تفاهم شده‌اند و سریعاً باید که بر طرف شود. آنها خیال کرده‌اند که صندوق عقب خودروها همان گاو صندوق یا صندوق گاو معروف است که در آن پول نگهداری می‌کنند. گاو صندوق عقیب!... البته ما خودمان هم به دلیل همان بالای بلا ماشینی که قبلاً عرض شد، فرق گاو صندوق با صندوق گاو را در این امور نمی‌دانیم، اما شرکت‌های سازنده خودرو علیرغم اینکه متخصص فن بوده و هستند و حتی در خود همین فن نیز، هم خودروانند و هم خودرو، (باهر دو نوع تلفظ!)، یعنی هم خود کفایتند و هم خود اتکا، باز هم تا الان همچین خیال می‌کرده‌اند که خریدار باید گاو صندوق عقب ماشین خود را پر کند و به قصد خرید بیاید. انسان جایز الخطاست و عزیزان خودرو هم از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. شما می‌گویید می‌باشند؟



اوچید حاج سعیدی

صدای پای آب. برق. گاز و ...

آیندگان باشند. طرف کولر روشن می‌کند، بعد از سرما پنجره را باز می‌کند تا اتاق گرم شود. زمستان هم شعله بخاری را چنان بالا می‌زند که گویی قرار است مثل نقی معمولی سربال پایتخت، وزن کم کند و با سوهان پز کشتی بگیرد؟! بعد هم از گرمای شرت می‌پوشد و باز هم لای پنجره را باز می‌کند تا اتاق کمی خنک شود! البته باز هم این وسط در حق مردمی که صرفه جویی می‌کنند، اجحاف می‌شود و تاوان بی‌مبالائی و سوء مصرف عده‌ای و سوء مدیریت برخی مدیران را باید همین قشر بدهند. علی‌ای حال با عنایت به وظیفه ذاتی در ارائه رهنمودهای فلک فرسا و مدبرانه، در خصوص افزایش قیمت حامل‌های انرژی، چند پیشنهاد ارائه می‌شود:

الف) جلوگیری از چشم و هم چشمی ادارات و نهادها: هر چند در ادارات ما سالیانه بخشنامه‌های مختلفی متولد می‌شوند و برخی از آنها هنوز به «کارتابل اجر» نرسیده و چرخه تکامل را سیر نکرده، در «زونکن بایگانی» دفن می‌شوند، ولی توصیه می‌شود ادارات در افزایش قیمت‌ها گوی سبقت را سر جاییش بگذارند و از یکدیگر نربایند و تا تقی به توقی می‌خورد قیمت‌ها را هوایی نکنند.

ب) تعریف دقیق واژگان: حقیر به جهت صرفه جویی شدید در مصرف منابع انرژی تجدید ناپذیر در بین اقوام و دوستان به مافیای صرفه جویی ملقب هستم و اگر جا داشته باشد از نور مهتاب هم برای روشنایی استفاده می‌کنم، نور خورشید که جای خود دارد! اما متأسفانه عبارت «مشترک پر مصرف» در قبض برق سرای محقر و نود متری اینجانب، تمام اقدامات و صرفه جویی‌های ما در عرصه انرژی‌های برگشت ناپذیر، عین چای کیسه‌ای در نفت سیاه زد و نابود کرد. به نظر در سال‌های اخیر، یا معنای «پر مصرف» تغییر پیدا کرده که ما خبر نداریم یا معنای «صرفه جویی»! فلذا از دوستان درخواست می‌شود که بعد از تعریف دقیق واژگان «مشترک پر مصرف» و «صرفه جویی»، در ادارات نیم‌نگاهی هم به افرادی که صرفه جویی را جدی می‌گیرند داشته باشند و همه را با یک چوب نرانند.

پ) تعیین جهت و میزان ملایمت شیب: در خاتمه پیشنهاد می‌شود عزیزان در فرمایش‌های خود کمی شفاف‌تر باشند و مقدار، جهت و میزان ملایمت شیب افزایش قیمت‌ها را تعیین کنند تا در حل مشکلات و مسائل اجتماعی یومیه‌شان با کمبود اطلاعات مواجه نشوند؟!



اوچید حاج سعیدی

خانم. شما جریمه نشدی!

منطقه بهتری از شهر قرار دارد. سرم را که چرخاندم، دنیا روی سرم خراب شد. خانم دیگری را دیدم بالای یک برج دیگر، که از قبلی هم بلند تر بود. بی خیال شدم و گفتم: خدایا، من خواستم با تو صحبت کنم، ولی خودت نخواستی!

رفتم جلوتر و به خیابان نگاه کردم. یکی نان خریده بود و یکی دست در دست کودکش می‌رفت. یکی دیگر هم با مشت و لگد افتاده بود به جان آن یکی. عجب بازار شامی! یک دسته کاغذ توی جیبم بود که از قبل آماده کرده بودم. پرت کردم پایین. مثل فیلم‌های رمانتیک! کاغذها توی هوا می‌رقصیدند و هر کدام به سویی روان بودند. یکیشان افتاد درست توی سطل آشغال شهرداری! یکی دیگر لای شاخه‌های درخت گیر کرد. و آن یکی دیگر هم روی لبه پنجره یکی از همسایه‌ها

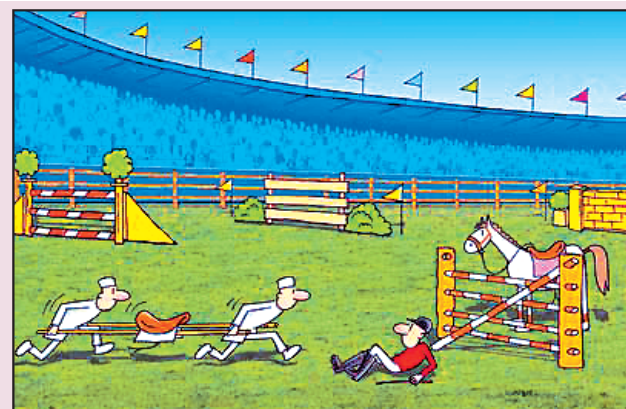
هوا دم کرده بود و گرم. داشتم خفه می‌شدم. رفتم بالای پشت بام. دم غروب بود و کلاغ‌ها قارقار راه انداخته بودند. نگاهی به اطراف انداختم، دیدم چه خبره: پر از قابلمه! نگاه کردم به آسمان. روبه خدا. از بیچگی من به گفته بودند که هر وقت خواستی با خدا صحبت کنی، به بالا نگاه کن و اگر خواستی به او نزدیک شوی، باید به بالا بروی.

با همان خیال کودکانه ام پیش خودم گفتم چه خوب که مجتمعی که در آن زندگی می‌کنم ۵ طبقه است و من از همه به خدا نزدیک ترم! بادی به غیغ انداختم و نفس راحتی کشیدم. اما وقتی که اطراف را با دقت نگاه کردم، فهمیدم که ای داد بیدار... نه، اشتباه فکر می‌کردم. طبق این فرمول، آن خانمی که بالای آن برج است، از من به خدا نزدیک تر است. هم ساختمان آنها بلندتر و هم در



بهمن عبدی

* بهمن عبدی، متولد ۲۹ بهمن ۱۳۳۰ در نوشهر
* کاریکاتور پست، گرافیکست و پویناما
* شروع کار نقاشی از سال ۱۳۴۸
* فارغ التحصیل مدیریت از دانشگاه لاهیجان
* داوری چندین جشنواره و مسابقه کاریکاتور
* فعالیت پنج ساله در مؤسسه فرهنگی هنری صبا
* برگزار کننده نمایشگاه فردی و گروهی
* تدريس کاریکاتور در خانه کاریکاتور ایران



امروز در تاریخ

نخست، زنده کردن زبان پارسی و بعد؛ جهانگشایی
شاه اسماعیل سمانی در ماه می سال ۹۰۰ میلادی در شهر بخارا به خواست سیران لشکر یک اصرار داشتند به بغداد حمله کنند و به خلافت عباسیان پایا دهند پاسخ زد داد.
شاه سمانی برای آن توجهی پاسخ خود در یک اجتماع عمومی (اصطلاحاً؛ بارعام) گفت که بزگترین برنامه ما باید احیای زبان فارسی و فرهنگ نیاکان باشد نه وسعت بخشیدن به قدرت. اگر پیش از رسیدن به این هدف که واجب محض است، قدمی در لشکر کشی به نقاط دور دست زمین از هدف اصلی (احیای فرهنگ ملی) خود خواهم برد. به علاوه، ما با حمله نظامی به بغداد، دشمنان تازه برای خود خواهم ساخت که فعلاً و در آغاز کار، به مصلحت ما نیست. پیامدهای یک جنگ قابل پیش بینی نیست. شاه اسماعیل سمانی مردی که پرچم زنده کردن زبان پارسی و فرهنگ ایرانی را به دوش گرفت در ماه می سال ۸۹۹ میلادی در فرانجه خراسان بر گزشت (منطقه فارود) به دنیا آمد. ۷ سال ۹۰۷ میلادی در گذشت.

شکست نیروهای دولتی از سالارالدوله و کشته شدن پیرم خان
شازندهم اردیبهشت سال ۱۲۹۱ هجری خورشیدی
در زد و خورد نیروهای دولتی با سالار مسلح سالارالدوله پس
مظفرالدین شاه که ادعای سلطنت داشتند در نزدیکی مهدان،
نیروهای دولتی شکست خوردند و با برجای گذاردن مقدار
زیادی اسلحه و مهمات فرار کردند. در پی این شکست از تهران
و در شاکت رئیس نظامیه (پلیس) که از مجاهدان مشروطیت بود
پیرم خان دستور محمدعلی شاه مشاور کتف فعال کرد بود، با
افراش عازم جنگ با مدعیان سلطنت شد. پیرم ۲۹ اردیبهشت
در نبرد با هواداران مسلح سالارالدوله کشته شد. سالارالدوله
سپاه را در مناطق غرب ایران با نیروهای دولتی زد و خورد
می کرد و تا شهر ساوه هم پیشروی کرد بود که بالاخره شکست
خورد. پیرم از ارامنه بود.

سیستم قضایی ایران فرانسوی شد

آدولف پرنی مشاور حقوقی ایران که یک قانونگذار فرانسوی بود در ماه می ۱۹۲۱ موفق شد به دولت ایران بقبولاند که باید در این کشور نظام قضایی سبک فرانسه ببلز یک پیاده شود. دولت ایران وی را استخدام کرده بود که به بابایان ایرانی می‌فروشید و رسای، ویژه دادن تر تینیات پول از بابایان جنگ جهانی اول) بپرد و از حقوق ایران که در طول این جنگ به رغم اعلام قبلی بی طرفی، به بهانه وجود احساسات آلمان دوستی ایرانیان، میدان جنگ شده و آسیب دیده بود دفاع کند. به رغم مخالفت روحانیون که خواهان ادامه آیین دادرسی اسلامی بودند دولت ایران پس از موافقت با پیاده شدن طرح «پرنی»، وی را در همان ماه (ماه می ۱۹۲۱) مامور کرد که شش استاد فرانسوی دانش حقوق برای تدریس در مدرسه عالی مربوط (تا تازه تاسیس) استخدام کند و...

سودو کو

۲		۶		۹			۴	
		۷			۶	۵	۹	
۵			۳					
			۱		۵		۳	
۹								۸
	۷		۸		۹			
					۸			۳
	۳	۵	۷			۴		
	۱			۵		۸		۲

γ	ι	ρ	λ	δ	ε	φ	τ	ψ
φ	ρ	σ	γ	ι	ρ	λ	δ	ε
λ	δ	ε	φ	τ	ψ	γ	ι	ρ
ρ	γ	ι	ε	σ	λ	δ	φ	τ
δ	λ	φ	ρ	γ	τ	ε	σ	ι
ε	σ	τ	ι	φ	δ	ρ	γ	λ
τ	ρ	γ	δ	ε	ι	σ	λ	φ
ι	φ	λ	σ	ρ	γ	τ	ε	δ
σ	ε	δ	τ	λ	φ	ι	ρ	γ

حل ۱۰۵۲

قاب امروز



کودکان افغان پس از رانش زمین در ولایت «بدخشان» در انتظار کمک هستند / منبع: تلگراف

داستان کوتاه

انسان یا حیوان

به بیبلاق رفته بودیم. در آنجا مردی را دیدیم که آهسته با الاغش به ما نزدیک می شد. هنگامی که مرد به ما رسید دیدیم الاغ یک گوش ندارد. شگفت زده شدیم و بوی او گفتیم چرا الاغ شما یک گوش دارد؟

مرد دوستایی را قاطعت گفت: خرم حرف گوش نمی کرد یک گوشش را بریدم تا آدم شود! دهانمان از تعجب دقایقی باز مانده بود وقتی به خود آمدیم، مرد خوار از ما دور شده بود.

چه زیبا گفته اند: درنده خوایی برخی از آدمیان، بسیار ترسناکتر از جانوران است.

منبع: da'tanekotah.persianblog.ir

انسان یا حیوان

به بیلاق رفته بودیم. در آنجا مردی را دیدیم که آهسته به بالاش به ما نزدیک می شد. هنگامی که مرد به ما رسید دیدیم الاغ یک گوش ندارد. شگفت زده شدیم و به او گفتیم چرا الاغ شما یک گوش دارد؟

مرد روستایی با قاطعیت گفت: خرم حرف گوش نمی کرد یک گوشش را بریدم تا آدم شود! دهانمان از تعجب دقایقی باز مانده بود وقتی به خود آمدیم، مرد سر سوار از ما دور شده بود.

چه زیبا گفتند: در دهه خویی برخی از آدمیان، بسیار ترسناکتر از جانوران است.

منبع: da.tanekotah.persianblog.ir

سرایه

بسانالۀ چنگ خندۀ جام خوش است
جام از کف ساقی گلندام خوش است
مابامی و مطرب خوش آواز خوشیم
دل با غم دوری دلارام خوش است

يٰۤاَيُّهَا الْبٰرُّ الْوٰرِثُ

● درد پیری انحطاط روحی و جسمانی آن نیست، بلکه از خاطرات آن است.

● رابطه قلبی دو دوست نیاز به بیان الفاظ و عبارات ندارد.

جدول شرح در متن

[illegible]

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۳،
(برابر با ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۹۴، ۶ مه ۱۹۷۴) نقل شده است

مسئولین ۵ شرکت بزرگ بجرم گرانفروشی تحت تعقیب
قرار گرفتند

اتاق اصناف برای نخستین بار به مبارزه با تولید کنندگان و شرکت‌های بزرگ گرانفروشی رفت و در یک یورش پنج شرکت عمده تولید کننده را بجرم گرانفروشی و بدفروشی تحت تعقیب قرار داد.

در زمینه تعقیب این شرکت‌ها، سخنگوی اتاق اصناف امروز اعلام کرد از کار توزیع یک نوع از کالاهای در شرکت بزرگ بسبب گرانفروشی جلوگیری شده است.

مسئولین شرکت‌ها پس از آنکه تحت تعقیب قرار گرفتند بهانه آوردند که این کالا از اردیبهشت ماه توزیع خواهد شد ولی بازرسان اتاق اصناف مدارکی بدست آورده‌اند که نشان می‌دهد فروش کالای مورد بحث از دیماه شروع شده و صدی هفت و نیم نیز از خریداران بهره‌دریافت کرده‌اند.

پرداخت وامهای کشاورزی و کمکهای بلاعوض شروع شد. اجرای دستورالعمل پرداخت کمکهای دولت به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در رشته‌های کشاورزی و دامداری و دامپروری به زودی آغاز میشود. به موجب این دستورالعمل بانک توسعه کشاورزی، مجری پرداخت وام براساس مصوباتی است که در کمیسیون مجری نفری نمایندگان وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، وزارت تعاون و امور روستاها و وزارت نیرو و انرژی به تصویب رسد.

دستور العمل مذکور به موجب تبصره ۴۸ قانون بودجه سال ۵۲ به موقع اجراء گذاشته می شود برای سرمایه گذاران بخش خصوصی علاوه بر فراهم آوردن تسهیلات معنوی، کمک های مادی را به صورت وام های کوچک و بزرگ نیز در اختیار آنان می گذارد.

در دستور العمل مذکور، کمک‌های وزارت کشاورزی برای اجرای طرح‌های کشاورزی و دامداری و آبیاری تا ۸۵ درصد بلاعوض خواهد بود کمک‌های برای عملیات ساختمانی و شبکه آبیاری و زهکشی ۵۰ درصد بلاعوض است و در ۵۰ درصد بقیه در ۱۵ سال با بهره ۶ درصد بازپرداخت می‌شود.

بیمارستان‌های خصوصی به سه درجه تقسیم می‌شود
نرخ خدمات پزشکی بیمارستانها یکسان خواهد شد

بیمارستان‌های خصوصی تهران با ۳ درجه تقسیم می‌شود و نرخ سرویس و خدمات غیر درمانی این بیمارستان‌ها بر اساس این درجه بندی پرداخت خواهد شد. طبق طرحی که از طرف سازمان تأمین درمان کشور تهیه گردیده است ۴۷ بیمارستان‌های خصوصی پایتخت و ۵۹ بیمارستان خصوصی شهرستان‌ها از نظر پرداخت معارج غیر درمانی به سه شایان ۳ درجه استاندارد، فوق استاندارد و برتر استاندارد تقسیم شده است.

بر اساس این طرح هر کارمند دولت و بیمه شده با معرفی پزشکی معالج می تواند در هر یک از بیمارستان های زیاد شده بستری و پس از درمان، سهم فرانسیز (حق السهم مشارکت در مخارج بیمارستان) را پرداخت کند.

نرخ اتاق در بیمارستان درجه یک ۷۰ تومان در بیمارستان درجه دو ۶۰ تومان و در بیمارستان درجه سه ۵۰ تومان و در بیمارستان درجه چهار ۴۰ تومان و در بیمارستان درجه پنج ۳۰ تومان است.

جاده جدیدی بین تهران - شمال ساخته می شود

برای سبک کردن ترافیک سنگین جاده هراز، در طول برنامه پنجم عمرانی کشور جاده‌ای به طول ۲۱۰ کیلومتر با ۳۱ مایلارد و ۷۸۰ میلیون ریال هزینه احداث خواهد شد. این جاده تهران را از طریق کرج - گچسرو چالوس به نقاط ساحلی دریای مازندران متصل می‌کند.

از زمان پایان ساختمان جاده هراز، به علت نزدیک شدن اه تهران به شهرهای ساحلی بحر خزر و همچنین گرگان و مشهد، کلیه وسائط نقلیه این مسیرها از جاده هراز تردد می کنند و به همین علت روز به روز ترافیک این جاده، شلوغ تر می شود. به منظور بر طرف کردن این مشکل، در طول برنامه پنجم عمرانی کشور جاده های از طریق کرج - دزین - گاجر - شمشک و با ساختن یک تونل در گردنه قوچک به جلوس کشید می شود. با احداث این جاده اتومبیل ها که به قصد عزیمت به شهرهای ساحلی دریای مازندران را دارند به جای عبور از جاده هراز، از این راه عبور خواهند کرد.

همچنین جاده‌ای به طول ۱۵۰ کیلومتر و اعتباری معادل یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال از دماوند به فیروزکوه و زیر آب کشیده می‌شود.